



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

غماش الاولساء

في التوسل بحديث الكساء

آثار وبركات توسل به حديث قدسي كساء

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داور المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پژوهشگر علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

بن کات عظیمة حدیث قدسی کساء

از عنایات حضرت صاحب الأمر (منه السلام وایه التسلیم) مرکزی جهانی از اهل حق است، که در ۲۴ حوزه علمی گوناگون؛ معارف الهی را از منبع نورانی کلام وحی و کلام خازنان وحی علیهم السلام پژوهش نموده، و دانشجویان بسیاری از مشتاقان علوم اهل بیت علیهم السلام در جهان؛ در آموزشکده های آن علوم؛ بطور حضوری و غیر حضوری؛ تعالیم مکتب وحی را می آموزند.

این مرکز علمی که غیر انتفاعی حقیقی می باشد، به عنوان تعرفه ثبت نام؛ و شهریه دوره های آموزشی دانشجویان؛ روش خاصی را بکار می برد، که ضمن التزام بر ویژگی غیر انتفاعی حقیقی؛ دانشجویانی که از امکانات آموزشی بهره مند می شوند؛ در مقابل آنها بی تعهد نبوده؛ و هزینه ای ولو معنوی را پردازند.

این هزینه معنوی؛ تشکیل مجلس خانگی توجّه الهی

(مانند حدیث شریف کساء) و آموختن معارف الهی به
خاندان و دوستان می باشد.

این تعهد نورانی همانند برنامه تحصیلی دانشجویان؛ بطور
جدی و منظم اجرا می شود.

در پرتو این التزام آموزشی؛ تا کنون مجالس عدیده
بسیاری برای توسل به حدیث شریف کساء تأسیس و
برقرار شده است، که افزون بر ادای هزینه روحانی
تحصیلات دانشجویان، برکات معنوی بسیاری را برای
برگزارکنندگان و شرکت کنندگان داشته است.

شرح این آثار و برکات و انوار؛ خود تألیف مستقلاً
است، که در اینجا تنها به نقل این توفیق جلیل از آن
جمع کثیر و ثبت شکرانه ایشان اکتفا می کنیم.

والحمد لله أولاً و آخراً حمداً مدیداً
وصلی الله علی اصحاب الکساء صلواتاً کثیراً

(۱) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب فضالة بن ایوب ازدی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال خانم (ر. الف) از شاگردان آن حوزه، و سابقه هفت بار سقط جنین متوالی، که به برکت حدیث قدسی کساء به تولد فرزند سالم نائل شده است.

شرح واقعه: آقای مهندس علی نجم الدین نقل می کند که: این خانم حدود ۲۰ سال پیش ازدواج کرده؛ و از بانوان مؤمنه و متوسله به ساحت حضرت ولایت کبری (منه السلام) است، تجربه خود را از برکات حدیث آسمانی کساء چنین نوشته است:

در هشت سال اولیه ازدواج صاحب فرزند نمی شدم، و طی این هشت سال؛ شش بار سقط جنین داشتم، البته در طی این مدت آزمایشات کامل در همه زمینه و عکسبرداری انجام دادم؛ ولی پزشکان علت سقط را نمی دانستند، و بعد از آن بخاطر ترس از سقط شدن فرزند بعدی استرس و اضطراب داشتم. اما بعد از آن با توسل به حضرت صاحب الامر (منه السلام) باردار شدم، که جهت باقی ماندن فرزند؛ در طول کل دوران بارداری؛ عمل جراحی شدم و باید استراحت مطلق و روزانه چندین آمپول تزریق می کردم، تا اینکه صاحب فرزند اولم شدم، با بارداری مجدد بعد از بدنی آمدن فرزند اول؛ یک

بار هم سقط داشتم، و این هفتمین سقط بود که بعد از ده سال داشتم، در طی این مدت باز مراجعه به پزشکان و همان آزمایشات ادامه داشت، ولی از فهمیدن علت سقط و درمان ناتوان بودند، و از ترس سقط و بخاطر رنجی که برایم داشت (که دکترها نیز علتش را نمی فهمیدند) نمی خواستم مجددا باردار شوم، و از حرفهای دیگران هم در آزار بودم.

تا اینکه با درسهای معارف الهی آشنا شده؛ و مشغول به تحصیل شدم، استاد تعلیم قرآن و معارف الهی در دو جلسه هفتگی که داشتیم؛ اول هر جلسه حدیث کساء را قرائت می نمودند؛ و از فضائل و برکات حدیث کساء و آثار شگفت آن صحبت کرده و حکایاتی در این باره را نقل می کردند، در آن مجلس رسم این بود که استاد یا یکی از شاگردان مسلط به تلاوت؛ حدیث شریف کساء را می خواندند، در حدود ۱۰ دقیقه تا یک ربع ساعت؛ در اول هر جلسه این برنامه بود؛ و بعد به درس تعلیم قرآن و معارف الهی می پرداختند، در ضمن صحبت توسل و برکات زیارت قبور اولیاء و امامزادگان شیراز شده بود، تصمیم گرفتم که متوسل به ساحت جناب علی بن حمزه علیه السلام شوم تا باردار شوم (ایشان نوه حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام و از امامزادگان جلیل القدر و صاحب کرامت در شیراز می باشند)، به حرم ایشان رفتم و متوسل شدم.

بحمدلله مجددا باردار شدم، و هنگامی که متوجه شدم باردارم (به خاطر فرزند قبلی که آسیب و رنجهای مختلف جراحی و تزیقات مکرر روزانه و ناتوانی پزشکان را دیده بودم) یاد اینها و یاد ۷ فرزندم که در سقط از بین رفته بودند و

آزار حرفه‌ای دیگران سینه ام را تنگ کرد و منقلب و گریان شدم. نگرانی‌هایم را با استاد قرآن در میان گذاشتم، ایشان به من تسلی داد؛ که حالا که باردار شده‌ام توکل کنم و متوسل به حدیث قدسی کساء بشوم، و تجربه ای از خودش را برای شفای بیماری سخت بیان کرد، و اینکه چطور خودش با ۴۰ روز قرائت حدیث کساء آثار و برکات آن را دیده و شفا گرفته بود. بنده هم تصمیم گرفتم که توکل به خدا کنم و متوسل به حدیث شریف کساء شوم، از این رو جهت حفظ جنین (در دوران بارداری) توسل و قرائت حدیث کساء را شروع کردم و به نیابت حضرت صاحب الامر (منه السلام) از همان ابتدای اطلاع از بارداری؛ شروع به خواندن حدیث شریف کساء تا آخر بارداری کردم، و هر روز صبح حدیث کساء را در مدت بارداری تلاوت می نمودم.

اولین اثر فوری تلاوت حدیث شریف کساء این بود که به برکت خواندن آن: نگرانی‌ها و تنگی سینه ام برطرف شد و آرامش یافتم، و بعد از آن این آرامش ادامه یافت و دوران بارداری را بدون استرس طی نمودم، بالاتر از آنها و بر عکس صحبت دکترها (که با وجود سابقه ۷ سقط در ظرف چند سال گذشته؛ باید شرایط رعایت استراحت و تزریقات را بیشتر ملتزم باشم)، بدون نیاز به استراحت مطلق در مدت بارداری؛ بلکه با انجام فعالیت و رفتن به محل کار و رفت و آمد برپله‌ها و بدون آن رنج‌های تزریق‌ها و زحمتهای دوران بارداری را گذراندم و جنین سقط نگردید؛ و فرزندم به سلامت متولد شد.

روز هفتم تولد برای او عقیقه ذبح کردیم؛ و عقیقه را در مجلس درسهای قرآن و معارف الهی (که بوسیله آن با حدیث کساء آشنا شدم) برای هم شاگردیان اطعام کردیم.

و به خاطر توسل اولیه به حضرت علی بن حمزه علیه السلام نام فرزندم را علیرضا برگرفته از نام ایشان نهادم.

و اکنون (فروردین ۱۳۹۰ شمسی) من و فرزند شیرخوارم هر دو در سلامتی کامل هستیم.

والحمد لله رب العالمین.

(۲) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب علی بن یقظین (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال نجات از مرگ يك مصدوم ضربه مغزي در وضعیت کوما؛ بعد از آنکه اطباء از بهبودي وي مأیوس بودند، و شفای نهائی آن، به برکت برقرار شدن مجلس حدیث قدسي کساء در منزل شخص مصدوم.

شرح واقعه: آقای مهندس (ع.ر.ه) که از اساتید تعلیم تجوید قرآن است و برکات حدیث کساء را درک کرده و در مجالس درس قرآن از کتاب حدیث کساء و آثار شکفت برکات این حدیث را نقل می کند، شرح واقعه را چنین تعریف می کند:

یکی از روزها در منزل بودم که تلفن زنگ زد، یکی از نزدیکان بود، باناراحتی خبر داد: دایی اش به نام (ع.س) ۴۰ ساله که راکب موتورسیکلت بوده است بر اثر تصادف با خودرو پراید در بولوار سرداران شیراز در تاریخ ۲۸ صفر سال ۱۴۳۲ ضربه مغزي شده؛ و هم اکنون حدود ۲۰ روز است در کوما و بیهوشی عمیق در بیمارستان شهید بهشتی شیراز در بخش آی سی یو بستری شده است، و وضعیت وخیم است، و پزشکان اعلام کرده اند: عمل جراحی بر روی مغزوي انجام داده اند و امیدی به

بهبودي ایشان نیست، و ما کاري نمي توانيم بکنيم، و با نا اميدي
پزشکان از زنده ماندن مصدوم و حال وخيم رو به موت او؛ خانواده اش
نگران و نالان هستند.

وقتي اين واقعه را در تلفن تعريف کرد، اين حقير بر حسب آنچه که در
باب فضائل و برکات مجالس حديث کساء درک کرده بودم؛ پيشنهاد نمودم:
يك جلسه حديث شريف کساء جهت بهبودي وي در منزلش برگزار
شده؛ و مؤمنين و خویشان را دعوت کرده و بعد مجلس نیز اطعام کنند.
در موعد مقرر اين جلسه برگزار شد؛ و بنده به عنوان خادم جلسه به
آن جلسه حديث کساء مشرف شدم، ابتدا در جلسه راجع به فضيلت و
سند حديث شريف کساء و فضائل و برکات آن از جمله محور بودن
حضرت عصمة الله الكبرى فاطمة الزهراء (سلام الله عليها) در اين
حديث شريف؛ و اينکه عالم کون و مکان و عوالم هستي؛ همه به طفيلي
وجود ذوات مقدسه مطهره؛ لباس وجود پوشيده اند، و اينکه معرفت و
محبت اين ذوات مقدسه هست؛ که هدف غايي و مايه حيات عالم است،
مطالبی عرض نمودم، و از برکات حديث قدسي کساء گفتم؛ و اينکه در
مجلسي که اين حديث خوانده مي شود؛ و در آن جمعي از شيعيان و محبين
اهل بيت عليهم السلام هستند؛ تا زماني که اجتماع داشته و پراکنده نشده اند؛
ملائکه آنها را در بر مي گيرند، و مورد نزول برکات و رحمت الهي
هستند، و خداوند حاجت ایشان را مي دهد، و غم و اندوهشان را
برطرف مي کند، و نکاتي از متن نوراني آن را شرح دادم، و سپس

مشغول قرائت حدیث شریف کساء شدیم، بعد از آن نیز چند دقیقه دعای گره گشا (یا من تحل به عقد المکاره...) را قرائت نمودیم، جلسه حدود یک ساعت و نیم طول کشید.

همان شب پس از جلسه حدیث شریف کساء؛ و فی المجلس خانواده مصدوم با بیمارستان تماس گرفته و جویای وضعیت مصدوم شدند، که با کمال تعجب پرستار بخش آی سی یو خبر داد که: ایشان همین الآن از حالت کوما بیرون آمده، و همه متعجب بودند، و مصدوم همان شب از مرگ نجات یافت.

در ادامه روند بهبودی وی، طی روزهای بعد مطلع شدم که به تدریج سطح هوشیاری بیمار بالا آمده و هم اکنون در فروردین ۱۳۹۰ می تواند راه برود.

پزشکان از نجات وی از مرگ و بهبودی او؛ اظهار تعجب نموده، و گفته بودند: این مورد شبیه معجزه است، و کسی جز خداوند متعال بر این کار قادر نیست.

والحمد لله رب العالمین

(۳) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانمی که با ختم ۴۰ روزه حدیث کساء به دو حاجت خود و فرزندش در مورد وضعیت پسر جوانش نائل می شود.

شرح واقعه: خانم (م.س) اهل شیراز اینطور بیان می کند: همیشه می خواستم تصحیحی در حالات خودم انجام دهم؛ و اعتماد به نفسم در امور زندگی بالا رود.

تا اینکه در سال ۱۴۳۱ قمری مطلع شدم؛ در خانه یکی از همسایگان روزهای یکشنبه مجلس حدیث کساء برقرار شده، به این مجلس رفتم. تا قبل آن هیچ آشنایی با این حدیث شریف نداشتم و روخوانی آن را نیز بلد نبودم، به آن مجلس که رفتم دیدم ابتدا از آثار و برکات حدیث کساء حکایتی نقل می شد و بعد قرائت متن این حدیث نورانی بود..

بعد از شنیدن مطالب در مورد معجزات و برکات آن؛ و آشنایی با این حدیث قدسی در این مجالس؛ به شدت به خواندن آن علاقمند شدم و شرکت در این نوع مجالس را مستمرا ادامه دادم، که این امر برکات بسیاری داشت.

و از جمله برکات استمرار بر مجلس حدیث کساء این بود که اعتماد به نفس را احساس می‌کردم بالا رفته و حالت ضعفی که داشتم خیلی بهتر شد؛ و همه را از عنایات این مجلس می‌دانم.

همچنین من ۲ پسر دارم که به شدت به آنها وابسته‌ام؛ پسرم در سربازی به زاهدان افتاد، و دوری او برای من و او سخت بود، و پسرم هم علاقه به کار دفتری در سربازی داشت.

فلذا با توجه به برکاتی که از این حدیث دیده و شنیده بودم، ۴۰ روز ختم حدیث کساء را نذر کردم، که کارش در سربازی؛ همان باشد که می‌خواهد، و هم اینکه به شهرمان منتقل شود.

با اینکه انتقالی سرباز به زادگاه خودش؛ کار سختی است، اما بعد ۴۰ روز خواندن حدیث کساء؛ مدت کوتاهی نگذشته بود که فرزندم تماس گرفت و گفت: کاری دفتری در سربازی نصیبش شده، و کمی بعد از آن خبر داد که منتقل به محل سکونت‌مان شیراز می‌شود و الحمد لله به شهرمان منتقل شد، و به برکت حدیث کساء؛ دو حاجتم در مورد فرزندم برآورده شد.

والحمد لله رب العالمین

(۴) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال خانم (م.ح)، که با نذر برقراری چهل جلسه هفتگی حدیث کساء در منزل خود به حاجت مهمش نائل می شود.

شرح واقعه: خانم موسوی استاد تعلیم قرآن از صاحب واقعه نقل می کنند:

مدتها بود می خواستم فرزند دار شوم ولی فرزندی نصیبمان نمی شد و این باعث اضطراب و نگرانی شده بود.

در یکی از روزهای سال ۱۴۳۱ هجری قمری؛ خانمی درب منزل مان را زد و گفت از این به بعد در خانه یکی از همسایگان هفته ای یک روز مجلس حدیث کساء و کلاس قرآن است، شما هم بیایید.

من با اشتیاق به مجلس رفتم، و دیدم که مجلس با تلاوت حدیث کساء و بازگویی برخی معجزات و برکات آن شروع شد، برکات حدیث را شنیدم؛ و به تلاوت آن نیز گوش کردم.

من که دوست داشتم خداوند فرزندی نصیبمان کند تا مایه دلگرمی من و همسرمان باشد، در همان مجلس نذر کردم که ۴۰ هفته مجلس حدیث کساء را در منزل خودمان برقرار کنم، و به برگزارکننده آن جلسه

تصمیم را گفتم، و خلاصه با درخواست و خواهش، ایشان قبول کرد
مجلس هفتگی حدیث نورانی کساء و درس تعلیم قرآن را به خانه ما
منتقل کند.

بیش از پنج هفته نگذشته بود که به برکت و شفاعت انوار پنج تن
مقدس آل عبا علیهم السلام باردار شدم، و این را به برکت برقراری این مجلس
نورانی و تلاوت و استماع و توسل به حدیث شریف کساء در منزلان می
دانم، علاوه بر این موهبت، پس از آن برکات بیشتری را در زندگی
احساس می کنم.

در این مجالس هفتگی؛ نکته ای از معارف الهی نهفته در مضامین این
حدیث نورانی؛ و نیز حکایتی از کتاب "حدیث کساء و آثار شگفت" نقل
می شد، آن وقت کتاب هم چاپش تمام شده؛ و نسخه هایش کمیاب بود؛ و
فقط برگزارکننده یک جلد از آنرا داشت، و شرکت کنندگان برای مطالعه
آن کتاب را از وی می خواستند، بعد از آن جلسات حدیث کساء و
معارف الهی در منزلان ادامه دادم، و پذیرایی نیز انجام می دادیم، شخصی
که حدیث کساء را می خواند، برای ادامه مجلس در منزل ما می گفت
که: به زحمت می افتید، به او گفتم: خیر، چون نذر دارم، و خودم
خواسته ام؛ و با شوق و احترام حاضران را پذیرایی می کنم، آن چهل هفته
نذر تمام شد، اما بخاطر نتایج و برکات آن؛ همچنان مجلس حدیث کساء
و درس تعلیم قرآن در منزلان را ادامه داده ام و به برکت راهیابی به

مجلس حدیث کساء؛ به تحصیل سایر درسها و رشته های معارف الهی نیز موفق شدم، و اکنون فرزندم سه ماهه بوده، و در سلامتی کامل است. خواهرم نیز در این مجالس با حدیث کساء آشنا شد، و اکنون خواهرم همین نذر را برای نیل به حوائج خویش نموده که ۴۰ هفته مجلس حدیث کساء در خانه ایشان برگزار شود، و عمل به نذرش را الان در سال ۱۴۳۲ شروع کرده است.

والحمد لله رب العالمین

(۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ جناب شہید مسلم ابن عوسجہ (از اصحاب امام سوم علیه السلام).

عنوان واقعه: شفا یافتن (بیماری که در کوما رفته بود) به برکت مجلس حدیث کساء و توسل به حضرات معصومین علیہم السلام.

شرح واقعه: آقای رضا علوی از مربیان ورزشی مدارس آموزش پرورش؛ در مدرسه محل خدمت خود؛ برای دانش آموزان؛ مجلس حدیث کساء را ابتداء بطور مختصر برگزار می نماید، با تأثیرات مثبت معنوی مجلس بر دانش آموزان؛ و استقبال عمومی آنها؛ این برنامه به عنوان یکی از فعالیتهای تربیتی و فرهنگی؛ مورد نظر اولیای مدرسه قرار می گیرد، فلذا ایشان نیز این مجلس را در سطح عمومی ادامه داده؛ و بحمدالله تاکنون بطور مرتب و با حضور وسیع دانش آموزان (هر هفته حدود صد نفر؛ و در ایام مناسبتهای دینی تا چهارصد نفر) ادامه پیدا کرده است، در آخر مجلس هم اطعام مختصری می شود، این مجلس برکات فراوانی داشته است، از جمله آنها این واقعه شفاء است؛ که ایشان آنرا این گونه نقل می کند:

روزی در مدرسه یکی از دانش آموزان که متصدی کار اطعام و پذیرایی (تهیه نان و تقسیم غذا) در مجلس حدیث کساء بود را دیدم؛ و به او گفتم که: برای دو روز دیگر تهیه نان فراموش نشود، گفت: باشد، بعد

در ادامه گفت که: سؤالی دارم؟ گفتم: بگو! گفت: شما تا به حال (از مجلس حدیث کساء) حاجتی هم گرفته اید؟ به او گفتم: خود این که (حضرات علیهم السلام) اجازه برگزاری این مراسم را با توفیق آن می دهند؛ این خودش برآورده شدن حاجت است.

صحبت در این باره همین جا تمام شد؛ و بحث به مطالبی دیگر از معارف الهی کشیده شد، این گذشت؛ تا این که روز برگزاری مجلس حدیث کساء رسید، دیدم همان دانش آموزان ها را آورد؛ و رفت داخل مکانی که باید غذا را آماده پذیرایی می کرد؛ در حین رفتن گفت: یکی از اقوام ما چهار روز است رفته توی کوما، اگر می شود امروز انتهای مجلس دعا کنید که خداوند شفایش بدهد.

مجلس شروع شد؛ و توسل به حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام بواسطه حدیث شریف کساء برگزار شد، سپس مطالبی پیرامون شرافت و کرامت ذوات مقدسه پنج تن اصحاب کساء علیهم السلام؛ و برکات وجودی این انوار الهی (حتی قبل از این که به صورت ظاهری به این دنیا بیایند) بیان شد، و درباره اینکه: چگونه پیامبران گذشته مثل حضرات آدم و نوح و ابراهیم و بقیه ی پیامبران (علی نبینا وآله وعلیهم السلام) در زمان خودشان به پنج تن مقدس متوسل شده اند. و چون آنروز (از نظر تقویم الهی) مصادف بود با قرار گرفتن کشتی حضرت نوح علیه السلام بر کوه جودی؛ این صحبت نیز شد که: مانند چنین روزی حضرت نوح علیه السلام وقتی از غرق شدن ترسید؛ خداوند را به حق پنج تن علیهم السلام قسم داد، و همچنین قبل از

حرکت نام این پنج بزرگوار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بر چوبی حک کرد؛ و در جلوی کشتی نصب نمود. همچنین اشاره شد که قطعات یافت شده از کشتی حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز گواه بر این حقایق می باشد، و با توجه به فرصت زمانی که داشتیم؛ پیرامون این نوع مطالب از معارف الهی صحبت‌هایی کردیم.

بیان مطالب که پایان یافت؛ آمدم صحبت را تمام کنم؛ یادم از التماس دعای آن دانش آموز آمد، به دانش آموزان در ادامه گفتم که: یکی از دوستان شما به خاطر یکی از بستگانش که در وضعیت کوما هست؛ التماس دعا دارد؛ و خواسته برای بیمارشان دعایش کنید.

در آن وقت هم به عنوان دعا عرض شد: خداوندا تو را قسم می دهیم؛ به آن پنج تنی که انبیاء و اوصیاء الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به آنها متوسل شده و حاجت گرفته اند؛ و به توسل حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ در این روز (که تو را به آن ذوات مقدس قسم داد) که مریض منظور نظر را شفا عنایت بفرمایی، در ادامه دعاها را دیگری هم شد.

پس از آن با پذیرایی متوسلین حاضر؛ مجلس تمام شد. بعد جلسه نیز او را دیدم؛ گفتم: مریضتان را دعا کردیم، آن دانش آموز تشکر کرد.

ماجرای گذشت؛ تا اینکه دو یا سه روز بعد؛ او را دیدم؛ گفتم: راستی از بیمارستان چه خبر؟ گفت: آقا باور نمی کنید! گفتم: مگر چه شده؟ گفت: همان روز که دعایش کردید؛ بعد از ظهر که رفتم خانه؛ گفتند: از کوما بیرون آمده است؛ و حالش خوب خوب شده؛ و در حال حاضر از

بیمارستان هم مرخص شده است و همه (از این شفای سریع و بیرون آمدن از کوما) تعجب کرده اند.

خلاصه اینکه: مجلس توسل حدیث شریف کساء؛ و قسم های بزرگ؛ و خدمتگزاری آن خادم نوجوان جلسه؛ و دلهای صاف نوجوانانی که شاید اصلا به حساب نمی آیند (و اکثراً و غالباً آن جوانان را با نگاه دیگری می بینند)، و عنایت پنج وجود مقدس عليه السلام، و اجابت حضرت ربّ الارباب؛ آن نتیجه مهم را داد.

والحمد لله رب العالمين

(۶) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم (ف.ک) از شاگردان آن حوزه که با توسل به حضرت زهرا علیها السلام و درخواست دستگیری به مجلس حدیث کساء و کلاسهای معارف راه یافت.

شرح واقعه: بنده در ابتدا زمینه ای برای شرکت در مجالس و کلاسهای قرآن نداشتم، بی اعتقاد نبودم؛ ولی در این برنامه ها نیز شرکت نداشتم، تا اینکه در ایام فاطمیه سال ۱۴۳۱ هجری؛ یکشب برنامه عزاداری را تماشا می کردم و توجهم را جلب کرد؛ و همانجا متوسل شدم و از صمیم قلب از حضرت زهراء علیها السلام خواستم تا دستم را بگیرد و هدایت کند.

فردای آن یکی از همسایگان آمد؛ و از من خواست که به همراهش به مجلس تلاوت قرآنی که در محل برقرار شده بود بروم، وقتی به آن جلسه آمدم دیدم که ابتدای امر مشغول به خواندن حدیث کساء شدند، و معلم قرآن حکایت و کرامتی از نتایج و آثار شگفت حدیث کساء را نقل نموده و توضیح داد، همچنین درباره برکات توسل به اصحاب کساء و برآورده شدن حاجات در اثر توسل به وسیله ایشان سخنی گفت.

فضاي اين مجلس و برنامه ها و اين سخنان طوري در من تأثير داشت که با شنيدن آن مطالب و نکات معارف الهي؛ و راه پيدا کردن (بدون تصميم و برنامه قبلي) به جلسه حديث کساء؛ همانجا فهميدم که خواسته قلبي من برآورده شده و حضرت زهرا عليها السلام مرا نيز حاجت روا داشته و هدايتم نموده اند.

از آن به بعد ملتزم شدم به رفتن به مجلس حديث کساء و تلاوت قرآن. و از اينکه حضرت گوشه نظري به من داشتند خدا را هزاربار شکر مي کنم. با راهيابي به اين مجلس و جلسات درس قرآن و معارف الهي عقايدم روشن و محکم شد، و از آن به بعد هر جا در جلسات خانوادگي و يا نزد دوستانم مي روم، مطالب معارف الهي را که ياد گرفته ام بازگو نموده و به ديگران ياد مي دهيم، و درباره برکات حديث کساء تبليغ مي کنم.

از آن به بعد تغييرات مثبت زيادي در زندگي و رابطه ميان بنده و شوهرم حاصل شد؛ بطوريکه با ديدن اين تغييرات؛ او هم علاقمند به مجلس حديث کساء شده؛ و هر روزي که اين مجلس برقرار است؛ خودش يادآوري مي کند که من شرکت کنم، و الآن يك سال است که به هدايت و دستگيري حضرت زهرا عليها السلام مجلس حديث کساء را هر هفته شرکت مي کنم.

والحمد لله رب العالمين

(۷) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم- حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید رشید هجری رحمته الله.

عنوان واقعه: حل مشکل وام قرض الحسنه منزل مسکونی با توسل به حدیث شریف کساء و حضرات معصومین علیهم السلام.

شرح واقعه: آقای سرهنگ (آ.م) نقل می کنند: در جلسات معارف الهی که در سال ۱۴۱۹ به توفیق مولا (منه السلام) شرکت می کردم توصیه می شد که برای حل مشکلات و توفیقات در زمینه های مادی و معنوی؛ حدیث شریف کساء خوانده شود.

مدتی بعد یکی از دوستان مراجعه نموده و گفت: به ما یک دستگاه آپارتمان از طرف محل کار فروختند ولی این آپارتمانها نیمه کاره بود، و باید خود فرد آن را کامل می کرد، و از طریق دیگری نیز وام قرض الحسنه به افراد می دادند تا ساختمان نیمه کاره را تکمیل کنند؛ ولی ایشان این موضوع را متوجه نشده بود که برای تکمیل ساختمان؛ این وام به افراد داده می شود.

وقتی مطلع شد که چند ماهی از زمان تقاضای وام گذشته بود، به آن قسمت اداره که مربوط به وام است مراجعه کرده بود؛ که به ایشان گفته

بودند: زمان تقاضای وام مذکور به اتمام رسیده است، و باید شما در نوبت بمانید، و نزدیک دوهزار نفر جلوی شما هستند.

آخر الامر آن اداره گفته بود: یک کار برای شما می توانیم انجام دهیم، و آن این است که یک معرفی نامه به صندوق قرض الحسنه مرکزی بنویسید؛ هر چه آنها گفتند؛ چون وام دهنده خود صندوق مرکزی می باشد؛ و همین صندوق به ما این تعداد نفر را اعلام کرده است.

ایشان معرفی نامه را می گیرد که در فردای آن روز به صندوق قرض الحسنه مرکزی مراجعه کند.

آن فرد می گوید: پیش خود گفتم ما در این دنیا پشت و پناهی جز حضرات معصومین علیهم السلام نداریم، البته نه اینکه این بزرگواران را برای امور دنیوی فقط بخواهیم،

لذا صبح روز بعد؛ بعد از نماز صبح متوجه حضرات معصومین علیهم السلام شدم و با این حال با انقطاع کامل از ماسوی الله؛ یک حدیث کساء خواندم؛ و پیش خود گفتم: به آن اداره (صندوق مرکزی) مراجعه می کنم؛ اگر وام درست شد که فبها؛ و اگر هم درست نشد؛ سعی خودم را کرده ام.

همینکه وارد اداره مرکزی شدم، پیش مسئول مربوطه رفتم؛ و معرفی نامه را ارائه دادم. ایشان همان حرف آن مسئول را زد و گفت: دوهزار نفر جلوی شما هستند؛ اگر می خواهید که نامه شما را در نوبت بگذارم؟ گفتم: باشد در نوبت بگذارید.

در همین حین که مشغول صحبت بودیم؛ یک نفر که قبلاً همین وام را گرفته بود آمد و گفت: من این وام را نمی خواهم. مسئول وام دچار تعجب شد و گفت: الله اکبر! و وام را به من داد!

و این فرج و گشایش فوق العاده و غیرمنتظره؛ از برکات خواندن حدیث شریف کساء نصیب شد.

والحمد لله رب العالمین.

(۸) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم (زهرة ك) که با توسل در مجلس حدیث کساء در همان مجلس به شفای بیماریش نائل شد.

شرح واقعه: در سال ۱۴۳۱ قمري مطلع شدم که در منزل یکی از همسایگان مجلس حدیث کساء برگزار می شود و در آن شرکت کردم.

مجري آن مجلس بعد از درسي از معارف الهي؛ برای توسل ابتدا توضیح دادند که این حدیث چه کراماتی دارد، و گزارشی از برخی تجربیات در این زمینه را بیان کردند.

بنده مدتی طولانی بود که سرما خوردگی کهنه ای داشتم؛ با سرفه و درد شدید سینه و خوب نمی شد و آزار می داد، با شنیدن برکات و آثار حدیث کساء در همان مجلس متوسل شدم و از حضرات علیهم السلام خواستم که به برکت این حدیث کساء این بیماریم خوب شود.

حدیث کساء خوانده شد؛ پس از تلاوت حدیث کساء و توسل به آن؛ بنده در همان مجلس احساس کردم که حالم بهتر شده و آخر آن مجلس دیدم که کاملاً درد سینه ام از بین رفت، و بیماریم کاملاً برطرف شده و شفا گرفتم، از مجلس که به خانه می رفتم سالم بودم.

وقتي اين كرامت مجلس حديث كساء را در اولين جلسه آن ديدم و مطالب معارف الهي را در آنجا شنيدم؛ خيلي مشتاق اين مجلس و برنامه هاي كلاس معارف شدم، و دعوت كردم كه اين جلسه و ساير جلسات ديني در مناسبتهاي مختلف در منزل بنده برگزار شود، و توفيق شد كه از آن به بعد در اطعام و برقراري آنها شركت كنم.

والحمد لله رب العالمين.

(۹) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم- حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید حبیب ابن مظاهر رضی الله عنه (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: حل مشکل اشتغال به نحو مطلوب برای جوان جوای کار بعد از توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم (ز. و) که حدود ۱ سال و نیم است که در منزلشان جلسه معارف و حدیث کساء تشکیل داده اند. در مورد حل شدن مشکل کارپسرشان واقعه را اینگونه نقل می کنند:

فرزندم پس از این که خدمت سربازی اش به پایان رسید حدود یک سال به دنبال شغل بود و همه اداره های دولتی از جمله نیروگاه ... و هم چنین سایر مراکزی که به ذهنمان می رسید را مراجعه می کرد؛ ولی متأسفانه به هر کدام مراجعه می کرد؛ با جواب منفی روبرو می شد، حتی به شرکت های خصوصی؛ و همچنین برخی از مراکز که آشنا داشتیم؛ برای شغل مراجعه می کرد؛ ولی باز هم جواب منفی می شنید، و از همه جا مأیوس شده بود، و من هنگامی که ناراحتی فرزندم را می دیدم؛ خود نیز از این واقعه بیشتر از او ناراحت می شدم، به حدی که سیستم اعصاب و غدد من دچار مشکل شد.

دچار سردرگمی شده بودم، و نمی دانستم چه کار باید انجام دهم؟ (البته ختومات دیگری هم انجام داده بودم اما جوابی نگرفته بودم)، تا این که یکی از دوستان به من گفت که: پنج جمعه به صورت مرتب حدیث شریف کساء را نذر کن تا این شاء الله به حاجتت برسی.

من نذر کردم که پنج جمعه به صورت مرتب حدیث شریف کساء را تلاوت کنم؛ و شروع به انجام آن نیز نمودم؛ و از این طریق متوسل به اهل بیت علیهم السلام شدم.

از شروع اولین تلاوت حدیث کساء؛ تماس های مختلفی از طرف شرکت ها برای مصاحبه شغلی شروع شد، که پس از آن در طی مدت کوتاهی به برکت حدیث شریف کساء فرزندم در یکی از ادارات دولتی استخدام شد، بطوری که مصادف با چهارمین بار حدیث کساء؛ فرزندم به سر کار رفته بود، و ما نذر چهارم و پنجم را هنگامی خواندیم که فرزندم در شغل مناسبی استخدام شده بود، و ما آن را در منزل به صورت جلسه دسته جمعی آنرا خواندیم.

انوار و برکات این مجلس چنان بود که: از آن به بعد نذر کردم که در منزل روزهای دوشنبه مجلس حدیث کساء را به همراه تهیه اطعام برای مؤمنین تدارک ببینم.

و بحمد الله الآن حدود يك سال و نیم است که خداوند توفیق تشکیل این جلسه نورانی را به من و خانواده ام داده است.

والحمد لله رب العالمين

(۱۰) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیہ حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب محمد بن موسی علیه السلام (از اولاد امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال آقای (ص. پ) که با توسل به حدیث شریف کساء مشکل مسکن ایشان برطرف شد.

شرح واقعه: در سال ۱۴۳۰ با هدایت و برکت برنامه های مجالس معارف الهی با کتاب شریف "آثار شگفت حدیث کساء" آشنا شدم، و با مطالعه آن کتاب؛ آثار و برکات این حدیث شریف را در حل مشکلات بسیاری از مردم مطالعه کردم. در مجالس مختلف نیز معارف مربوط به مقام حضرت زهرا علیها السلام و آثار و برکاتی که بواسطه ایشان در این حدیث می باشد را از طریق مجالس حسینیہ محل آشنا و مطلع شدیم. این گذشت تا مدتی بعد که مدت اجاره خانه مان داشت به اتمام می رسید، و یکبارہ صاحب خانه به ما اعلام کرد که: خانه خویش را فروخته و ما به فکر خانه باشیم؛ که در موعد مقرر باید خانه را تخلیه کنید. با این اعلام صاحب خانه؛ با اینکه چند ماه تا زمان تخلیه منزل فرصت داشتیم ولی فوراً شروع به جستجو برای خانه رهن و اجاره کردیم، اما با توجه به اینکه پول ما برای رهن و اجاره کم بود؛ هر کجا که مراجعه می کردیم می گفتند با این پول خانه ای برای شما نداریم، و می گفتند: با این مقدار

پول خانه گیرتان نمی آید، محله های مختلف را رفتیم ولی فایده نداشت. از حدود يك ماه پيش از نزديك شدن موعد تخلیه منزل؛ اضطراب و استرس من و خانواده ام بیشتر شد، در مجالس حسینه و زیارتها که می رفتیم برای گشایش و حل مشکل مسکمان دعا می کردیم، و جستجوی کردیم ولی نتیجه نمی گرفتیم، تا اینکه در دو هفته قبل از موعد تخلیه در زیارت حضرت علی بن حمزه عليه السلام (از نوادگان حضرت امام کاظم عليه السلام و از اولیاء الهی صاحب کرامت که مزار منورشان در شیراز می باشد) به ساحت مقدس ایشان متوسل شدم و در آنجا برای حل مشکلمان حدیث شریف کساء را خواندم، و در هفته بعد از آن در ساعتی که از روی تقویم اختیارات نجومی نگاه کردیم و برای استجاب دعا سعد خاص بود به زیارت حضرت عبدالله عليه السلام (از امام زادگان شیراز) رفته برای حل این مشکل به ایشان متوسل شدیم، و فرمایش نیز در تقویم اختیارات نجومی برای استجاب دعا از اوقات سعد نسبی بود؛ بعد از خواندن نماز عصر با حال اضطراب و انقطاع از همه جا متوسل به حدیث شریف کساء شدیم، و آنرا به همراه نوای دلنشین مرحوم آیت الله شیخ عبدالحسین واعظ خراسانی رحمته الله که حدیث کساء را قرائت فرموده بودند؛ شروع به خواندن و زمزمه کردیم و از حضرت مولا صاحب الزمان (منه السلام) خواستیم که فرج و گشایشی در مشکل مسکن ما بنمایند، و خانه ای در محله مورد نظرمان نصیب فرماید، که با مقدار پول ما هم متناسب باشد. چند دقیقه پس از فراغت از خواندن این حدیث شریف با بنگاه

معاملات مسکن در همان محله و خیابان مورد نظرمان تماس گرفتم و مسئول آن گفت که: همین امروز یکی از دوستان او که از شهر ما به شهری دیگر نقل مکان کرده؛ و خانه خود را برای اجاره نزد او گذاشته تماس گرفته و گفته است که مقداری پول لازم دارد پس خانه او را با قیمتی کمتر برایش اجاره بدهند، پس من هم بلافاصله نزد او رفتم و پس از صحبت با مالک خانه؛ وی آن خانه را در همان محل مورد نظر با همان مقدار پولی که داشتم اجاره داد، و با توسل به حدیث شریف کساء و پناهنده شدن به ساحت مقدس حضرت ولی عصر مولانا صاحب الزمان (منه السلام) مشکل مسکنمان در چند روز آخر مهلت تخلیه به نحو خوبی برطرف شد. با شکر و سپاس به درگاه الهی توفیق و سلامتی برای مؤسس این مجالس دروس معارف الهی که ما را به بهرمندی از آثار و برکات این حدیث شریف رهنمون شدند را از خداوند متعال خواستاریم.

والحمد لله رب العالمین.

(۱۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید رشید هجری علیه السلام

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی با توسل به حدیث شریف کساء

شرح واقعه: خانم (م. م) که معاون آموزشی و پرورشی یکی از هنرستانهای کشور می باشد حدود یک سال است که در محیط مدرسه برای دانش آموزان جلسه حدیث کساء برپا نموده است ایشان واقعه شفای یکی از همکارانشان را اینگونه نقل می کنند:

چند وقت پیش مطلع شدم که یکی از همکارانمان که مشاور هنرستان است دچار سرطان و وجود غده از ناحیه پرده گوش و پشت سر شده است به حدی که ایشان از تکلم و حتی بیرون آمدن از منزل محروم گردیده بود و با هیچ کس تا شش ماه نه می توانست صحبت کند و نه دیداری داشته باشد.

بعد از آن با توجه به اینکه هر سه شنبه مجلس حدیث کساء را با دانش آموزان و همکاران برگزار می کردیم در همان هفته تصمیم گرفتیم که این حدیث کساء را به نیت شفای عاجل این بیمار برگزار کنیم. در همان هفته مجلس برقرار گردید و پس از پایان مراسم از همه حاضرین خواسته شد که برای شفای ایشان دعا نمایند.

بعد از اینکه جلسه تمام شد چند روز بعد ایشان خودشان تماس گرفتند و اذعان داشتند که به صورت ناگهانی و معجزه آسا تغییرات اساسی در تکلم و حرکات ایشان ایجاد شده است که به حمد الهی هشتاد درصد بهبودی حاصل شده است و حتی پس از مدتی ایشان به حالت اولیه خود برگشتند و سلامتی کامل خود را بدست آوردند. و این از برکات توسل به اهل بیت عصمت و طهارت و حضرات معصومین (علیهم السلام) می باشد.

والحمد لله رب العالمین

(۱۲) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیة حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب حماد بن عیسی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شرح حال خانم سیده (ط.ج) از شاگردان آن حوزه که با ختم ۴۰ روز حدیث کساء به شفای بیماری دردناک ۳ ساله خود و بازگشت به سلامتی نائل شد.

شرح واقعه: به خاطر شرایط زندگی در چند سال اخیر سخت دچار بیماری شدیدی شده بودم، استمرار بیماری؛ در طولانی مدت بر جسم طوری اثر کرده بود و دردها افزوده شده بود خصوصاً درد شدیدی از زیر گلو تا سینه مرا فرا می گرفت و از خود بی خود می شدم. با وجود رعایت پرهیزهای لازم و رعایت رژیم غذایی سالم متناسب با شرایطم؛ ولی تنظیم خونم نیز به هم خورده بود، مبتلا به قند خون شده بودم؛ بدون سابقه این بیماری در خانواده، مشکلات جسمی داشت مرتب افزون می شد، و این درد شدید را در گلو تا سینه ۳ سال داشتم، و وقتی درد شروع می شد چنان درد شدیدی بود که از حال می رفتم و قادر به انجام کار و حرکت نبودم، و بیش از یک سال بود که قند خون هم به آن اضافه شده بود، و داشتم شکسته می شدم و استرسها را نمی دانستم چه کنم.

در بررسیهای طبی هم نه به تشخیصی دقیق و روشنی رسیدند و نه درمانی

موفق ارائه کردند، فقط برای اینکه بی جواب نگذارند؛ پزشک گفته بود: همه اینها به خاطر استرس است، اما معالجاتشان در این زمینه عملاً ناموفق بود!

با آشنایی با فضائل و برکات حدیث کساء در مجالس حدیث کساء حسینیه محل ما؛ و مطالعه آثار شگفت حدیث کساء؛ سال گذشته (۱۴۳۱ قمری) تصمیم به یک ختم ۴۰ روزه حدیث شریف کساء گرفتم و به خواندن حدیث شریف کساء مشغول شدم.

و تا ۴۰ روز اکثراً در بین الطلوعین آن را تلاوت کردم، و مواظبت داشتم که در این ۴۰ روز سحرخیز باشم؛ و نماز شب و بیداری در بین الطلوعینم ترک نشود؛ و آداب را رعایت کنم.

آنقدر این برنامه (تهجد و بیداری بین الطلوعین و حدیث کساء) تأثیرش فوری و قطعی بود که بلافاصله (در حین انجام این ختم و قبل از پایان آن) دردی که ۳ سال ممتد داشتم از بین رفت؛ و سلامتیم بازگشت، و چنان به آرامشی رسیدم که قابل توصیف نیست، و نشاطم بازگشته است.

از حضرات خمسه طیبه علیهم السلام ممنون و متشکرم که چنین تفضلی فرمودند. الآن مدتها از آن ختم می گذرد ولی آن بیماری دردناک که ۳ سال آزار می داد برطرف شده است و به درگاه مولا صاحب الامر (منه السلام) را که مرا به این مجالس و معارف نورانی و برکات رهنمون فرمودند شکر می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید بریر ابن خضیر رضی الله عنه (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: پیدا شدن مورد گمشده ای با توسل به حدیث شریف کساء

شرح واقعه: خانم (م.ح) واقعه پیدا شدن کیف همسرشان (که حاوی مدارک مهم بود) اینگونه نقل می کنند:

یکی از روزهای تابستان بود، ماشین ما به علت نقص فنی در تعمیرگاه بود، من و همسر و بچه ها برای دیدن پدر و مادرم می خواستیم به شهرستان برویم، چون ماشین خراب بود ما مجبور شدیم با ماشین کرایه سفر کنیم، به خاطر همین به ترمینال رفتیم و سوار مینی بوس شدیم، یک ساعتی توی راه بودیم تا به شهرستان مورد نظر رسیدیم، و بعد از یک مقدار پیاده روی به خانه پدر و مادرم رسیدیم، چند ساعتی گذشته بود، ناگهان همسرم متوجه شد که کیف دستی اش را که شامل چند فقره چک، کارت شناسایی و تعدادی مدارک خیلی مهم بود در ترمینال گم کرده است، او با عجله خود را به ترمینال رسانید،

و من هم که خیلی ناراحت بودم همان لحظه به سوی مفاتیحی که کنارم بود دست دراز کردم و با خودم نیت کردم که هر دعایی آمد آنرا بخوانم، و

به اهل بیت علیهم السلام متوسل شدم و مفاتیح را باز کردم، دیدم حدیث شریف کساء آمد، با گریه شروع به خواندن کردم، در حین خواندن همسرم آمد و گفت دیگر کجا پیدا می شود این همه مدارک در این ترمینال به این شلوغی؟! و من همین طور به خواندن دعا ادامه دادم تا اینکه به آخر دعا رسیدم یکدفعه تلفن زنگ زد؛ و یک مرد پشت تلفن گفت: من مدارک شما را پیدا کردم و می خواهم به شما تحویل بدهم! آری من با توسل به حدیث کساء حاجت خود را گرفتم، حالا هر وقت به مشکلی بر می خورم با توسل به حضرات معصومین علیهم السلام از طریق حدیث شریف کساء به حاجت خود نائل می شوم.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۴) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث کساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیة حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب عبد الله بن جنذب (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم سیده (ف.ج) از شاگردان آن حوزه که با استمرار بر قرائت حدیث قدسیه کساء در دوران بارداری به توفیق سحرخیزی و نماز شب و سایر برکات آن نائل شد.

شرح واقعه: در مجالس دروس معارف الهی و مجالس تلاوت و توسل به حدیث کساء در حسینیة و خواندن کتاب آثار حدیث کساء، با برکات حدیث کساء آشنا شدم.

در دوران بارداری برای نیل به برکات حدیث شریف کساء تصمیم گرفتم آنرا بخوانم، به طوری که در سه ماه آخر بارداری به طور مستمر هرروز بین الطلوعین آن را می خواندم.

در مجالس حسینیة در مناسبتها و مجلس حدیث کساء از نوارهای مجالس مرحوم آیت الله شیخ عبد الحسین خراسانی نیز استفاده می شد (ایشان از علمای نجف اشرف و مشهد مقدس بودند که از ذخائر الهی در زمینه مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و الگویی باشند و روضه خوان بسیاری از مجالس بزرگان و علماء در نجف اشرف بودند) با آشنایی با این شخصیت

بزرگوار؛ خواندن حدیث کساء را به همراه نوار مجلس حدیث کساء مرحوم خراسانی و با صدای گرم و دلنشین ایشان انجام می‌دادم و از نوای متین و دلنشین ایشان استفاده و آرامش زیادی می‌بردم، و حاجتم این بود که در دوران بارداری فرزندی که مهمترین مقطع زندگی اوست؛ ضعف و سستی سبب بی‌توفیقی من نشود بلکه همواره توفیقات معنوی داشته باشم، تا این دوره با بهترین فضا و شرایط معنوی طی شود.

با مداومت بر حدیث شریف کساء؛ برکات معنوی بسیاری در دوران بارداری فرزندی نصیب شد، که آثارش در فرزندم هم ظاهر شده است.

از برکاتش این بود که در این مدت سه ماه تلاوت حدیث کساء؛ هر روز توفیق بیداری شب و تهجد بطور راحت بدون زحمتی حاصل می‌شد، و به آسانی برای خواندن نماز شب بیدار می‌شدم.

با قطع خواندن حدیث کساء؛ بعد از ولادت فرزندم؛ این فیوضات و برکات تا سه ماه بعد از دوران بارداری ادامه داشت، از جمله اینکه به طور خیلی راحت و عجیبی ناخودآگاه رأس همان ساعتی که موقع نماز شب بود بیدار می‌شدم.

اثر حدیث شریف کساء روی جنین من طوری بود که انس جنین با حدیث کساء مشهود بود، و در دوران بارداری با شروع من به تلاوت حدیث شریف کساء جنین با حرکتی که انجام می‌داد بیدار می‌شد، و این واکنش تا آخر دوران بارداری ادامه داشت، بلکه الآن هم که فرزندم

شیرخوار است؛ این روند تا کنون ادامه دارد، و در بیشتر اوقات رأس همان ساعت (تهجد) بیدار می شود و باعث بیداری من هم می گردد.

از دیگر برکات آن اینکه هر وقت در هنگام بارداری فرزندانم مدتی حرکتی نمی کرد و باعث نگرانی بنده می شد؛ به محض خواندن حدیث شریف کساء فوراً انعکاس نشان می داد، و باعث آسوده خاطری اینجانب می شد. بعد از تولد ایشان نیز گاهی اوقات که مجدداً آن را می خواندم فرزندانم فوراً با صدای خودش توجه خودش را نشان می داد، و الحمد لله او نیز به این حدیث قدسی انس گرفته است.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۵) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه
جناب شهید رشید هجری رحمته الله

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی با توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم (زن) واقعه را اینگونه نقل می کند:

توسل به اهل بیت علیهم السلام همیشه در زندگیم راهگشا بوده است، اما این بار معجزه ای بزرگ را از آستان مقدسشان مشاهده کردم.

خواهر شوهرم حدود ۸ ماه بود که دچار یک بیماری سخت شده و مدت زمان زیادی بود که در بیمارستان بستری شده بودند.

پزشکان از تشخیص بیماری ایشان عاجز بودند و داروها و روشهای مختلفی را روی ایشان امتحان کردند؛ و نتیجه نداد.

تا اینکه بیماری ایشان خیلی وخیم شد و بعد از آزمایشهای زیاد؛ پزشک ایشان اینطور تشخیص داد که بخاطر داروهایی که ایشان مصرف کرده خون ایشان مشکل شدیدی پیدا کرده، و نیاز به شیمی درمانی دارد، و باید هرچه سریعتر ایشان را به مرکز پزشکی هسته ای منتقل کنند.

روز یکشنبه بود که ایشان را به بیمارستان سید الشهداء (مرکز پزشکی هسته ای) شهرمان منتقل کردند تا شیمی درمانی را شروع کنند.

از اتفاق روز دوشنبه همان هفته در مکان حسینیه محل، ما خودمان بانی

برای طبخ غذا بودیم؛ که غذای جلسه حدیث کساء را تهیه کنیم، ما هم شفای ایشان را نیت کردیم، و غذا را طبخ نمودیم و در جلسه حدیث شریف کساء شرکت کردیم، در آن جلسه پس از ذکر برکات و انوار این حدیث قدسی و کلام آسمانی؛ متن آن هم تلاوت شد و به حضرات خمسه طیبه علیهم السلام توسل عرض شد، همه اهل مجلس نیز برای شفای ایشان دعا کردند.

فردای همان روز برای شروع شیمی درمانی از ایشان آزمایش گرفتند، و با کمال تعجب اعلام کردند که: مشکل خون ایشان برطرف شد! و نیاز به شیمی درمانی ندارد! و حتی نیاز به ماندن در این بیمارستان (بیمارستان مخصوص بیماران سرطانی) نیست! فلذا باز ایشان را به بیمارستان قبلی منتقل کردند و الحمدلله وضعیت ایشان رو به بهبودی است .

والحمدلله رب العالمین

(۱۶) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث کساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب حماد بن عیسی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال آقای (م. ک) از شاگردان آن حوزه که با توسل به حدیث شریف کساء مشکل بدهی چندساله ایشان برطرف شد.

شرح واقعه: از ازدواج حدود ۹ سال می گذشت و در این مدت به دلیل مستأجر بودن و مشکلات زندگی مجبور شدم وامها و قرض هایی بگیرم و این اواخر دیگر از قرض ها خسته شده بودم.

برنامه ریزی برای ادای قرضها نیز می کردم ولی باز مشکلی دیگر به وجود می آمد و قرضها باقی می ماند و یا اضافه تری می شد.

با شرکت در مجالس دروس معارف الهی و حدیث کساء و آشنایی با برکات این حدیث شریف و فضائل آن؛ با همسرم تصمیم گرفتیم که بوسیله حدیث شریف کساء متوسل به حضرات مقدسه اهل بیت علیهم السلام بشویم و حاجتمان این بود که مشکل بدهی که سالها از آن رنج می بردیم برطرف شود.

با این نیت شروع کردیم هر روز بعد از نماز صبح و در بین الطلوعین و گاهی بعد از نماز مغرب حدیث شریف کساء را می خواندیم و برای تلاوت این حدیث مبارک از نوار مجلس حدیث کساء مرحوم آیت الله

شیخ عبد الحسین خراسانی رحمۃ اللہ علیہ استفاده می کردیم و از نوای ایشان استفاده
زیادی بردیم.

بعد از حدود پنج ماه مداومت بر خواندن حدیث کساء؛ و به برکت
تلاوت و توسل به این حدیث آسمانی؛ راههایی پیش رویمان برای ادای
بدهی بازمی شد و برنامه ریزی برای ادای آنها عملی شد، و همه قرضهای
چندساله ام که مبلغش هم زیاد بود؛ ادا شد، و درآمد و حقوقم نیز
افزایش یافت. الان همه قرض هایی که داشتیم به برکت توسل به پنج تن
آل عبا علیهم السلام بوسیله این حدیث قدسی ادا شده است.

والحمد لله رب العالمین.

(۱۷) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

جناب شهید ابو ثمامه صائدي رضی الله عنه (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: فراهم شدن رزق و روزی حلال از طرق توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ح.خ) واقعه زندگی خود را که همراه با مشکلات بسیاری بوده است و برطرف شدن این مشکلات پس از آشنایی با درسه‌های معارف الهی و حدیث کساء است اینگونه نقل می کنند:

اگر بخواهم داستان زندگی خود را قبل از آشنایی با مجالس درسه‌های معارف الهی بیان کنم خود کتابی مستقل می طلبد، ولی همین قدر می گویم که:

پس از اینکه همسرم فوت شد، روز به روز فشار زندگی بر من و بچه هایم بیشتر می شد به حدی که از همسرم حتی یک حقوق ماهیانه برای ما نمانده بود و زندگی به سختی سپری می شد.

هم چنین بیماری های متعددی هر روز بدنم را فرامی گرفت و همین موضوع روی اخلاق و رفتارم نیز تاثیر نامطلوبی گذاشته بود.

و این مشکلات بود تا اینکه روزی یکی از دوستانم (که الان مسئول حوزه درسی ما هستند) به بنده پیشنهاد آمدن به درسه‌های معارف الهی را

دادند؛ تصمیم گرفتم که با همه مشکلاتم دست و پنجه نرم کنم. در این مجالس درسی شرکت نمودم، از وقتی که وارد این درسها شدم آرامش عجیبی پیدا کردم، فلذا مرتب در مجالس زیارت آل یاسین کامله و هم چنین مجالس حدیث شریف کساء شرکت می کردم. در اثر آشنایی با آموخته های طبی و با تغییری که در رژیم غذایی خود دادم توانستم بر بیماری های خود فائق بیایم و همین موضوع باعث شد که اخلاق و رفتارم نیز به کلی عوض شود. الان حدود چهارسال است که در این جلسات و کلاسها شرکت می کنم و مهم تر از همه اینکه توانستم نمازهایم پنجگانه را در اول وقت آن بخوانم. (اما حاجت خاص و نتیجه گرفتن به برکت حدیث قدسی کساء):

قبل از آن به مدت هشت سال به دنبال کار بیمه ام رفته بودم که شاید بتوانم از آن طریق کاری انجام دهم ولی پس از اینکه نتیجه ای نگرفتم آن را رها کرده و به دست تقدیر سپردم. تا اینکه یک روز در مجلس حدیث شریف کساء دلم شکست و به امام زمان (منه السلام) متوسل شدم و از ایشان خواستم همانگونه که مرا از آن همه ضعفهای اخلاقی و بیماری ها نجات دادند؛ رزق و روزی حلال نیز نصیب کنند.

در آن جلسه نیت کردم که برای حل این مشکل؛ به مدت چهل شب در منزلم ختم حدیث شریف کساء را انجام دهم.

با توکل به خدا و توسل به حضرات معصومین (علیهم السلام) ختم را شروع کردم. پس از اینکه چهل شب به اتمام رسید به طور معجزه آسایی در همان مجلس با کمک و پیشنهاد یکی از دوستانم راهی باز شد؛ که با پیگیری آن توانستم مستمری و حقوقی دریافت کنم. در همان لحظه به سجده رفتم و خداوند متعال را شکر نمودم. در پایان از همه آنانکه که در راهیابی ما به درسهای معارف الهی؛ و تعلیم ما سهم بوده و هستند صمیمانه تشکر می کنم و از مولا (منه السلام) توفیقات روزافزون را برای همه ایشان خواستارم.

والحمد لله رب العالمین.

(۱۸) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب احمد بزنطی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شرح حال خانم (ا.ت) از شاگردان حوزه های معارف الهی که با توسل از طریق حدیث آسمانی کساء به شفای بیماری وخیم خود نائل شد.

شرح واقعه: این بنده حقیر حدود ۱۵ سال است که دچار یک بیماری خاص غده ای در استخوانهایم شده ام، و در سالهای اول بیماری؛ در اثر آن به مدت یک سال نیز فلج شدم، و خیلی حالم سخت بود. ازین رو با تضرع و زاری به مولایم حضرت امام رضا علیه السلام متوسل شدم؛ تا اینکه شبی حضرتش به خوابم آمد، و بعد از آن تصمیم به زیارت حضرت رضا علیه السلام گرفتم، و با حال رنج و فلجی که داشتم خانواده ام هر طور بود مرا به زیارت مشهد مقدس بردند؛ و مشرف به حرم حضرت رضا علیه السلام شدم، و در همانجا به عنایت مولایم از آن حال وخیم و فلجی که یک سال داشتم خارج شدم و شفا یافتم و مولایم را شکر می کنم.

اما بیماری استخوان باقی بود، بعد از آن برای رفع بیماری استخوانم؛ پزشکان داروهای شیمیایی تجویز می کردند که مرتب باید مصرف می کردم و اگر دارو را قطع می کردم، حالم خیلی بد می شد و حرکت برایم مشکل

می شد. بر اثر مصرف مداوم آنها در این چند سال؛ به مرور زمان عوارضش در بدنم آشکار شد، و در سینه ام کیست (غده) ایجاد گردید و مرتب حال بدتری شد، و خیلی هم دردناک بود، و دکتر معالج هم بعد از انجام سونوگرافی و آزمایشات گفت که اینها از عوارض داروهای شیمیایی است، و این کیست در سینه ات ریشه دوانیده؛ و باید جراحی شوی و کیست را در بیاوریم و سینه ات هم قطع می شود، و دیگر راهی نیست و با دارو هم درمان نمی شود. خیلی ناراحت و مضطرب و نگران شدم.

به فضل و عنایت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) حدود ۳ سال قبل با مجالس و درسهای معارف الهی آشنا شده و در آن شرکت کردم.

با حضور در مجالس و دروس معارف الهی؛ با فضائل و برکات حدیث کساء آشنایی پیدا کردم، و در دو جلسه هفتگی تلاوت قرآن و دروس معارف الهی که داشتیم اول هر جلسه حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه حدیث کساء تلاوت می شد، و جلسات درسی اینگونه آغاز می شد و مدیر جلسه نیز از فضائل و کرامات این حدیث شریف توضیحاتی بیان می کرد. و در این باره کتاب "حدیث کساء و آثار شگفت" را معرفی نمود، از وی این کتاب را گرفتم و مطالعه نمودم. با آشنایی با برکات و فضائل این حدیث قدسی؛ نیت کردم برای شفای بیماریم از طریق ختم این حدیث شریف؛ متوسل به حضرات اهل بیت علیهم السلام شوم و شروع کردم به مواظبت بر تلاوت آن.

روزی ۲ بار تلاوت می نمودم یک بار صبح و یک بار بعد از ظهر؛ و هنگام تلاوت آن گریان می شدم، و دست بر روی موضع درد می گذاشتم و با

حال گریه و تضرع تلاوت می نمودم و امید داشتم که به برکت این حدیث قدسی بهبودی می یابم، ولذا برای جراحی نرفتم.

از این تلاوت حدیث کساء که می نمودم کمتر از یک ماه گذشته بود، احساس کردم که بهبودی یافته‌ام، و درد شدیدی که داشتم از بین رفت. به دکتر معالجم مراجعه کردم و سونوگرافی و آزمایشات و معاینات را انجام داد؛ با تعجب دکتر گفت که: هیچ اثری از کیست وجود ندارد و کاملاً برطرف شده است.

با درک این تفضل مولایم؛ به شکرانه آن از مرکز آموزش شهرمان درخواست کردم که جلسات درسهای معارف الهی و حدیث کساء در منزلان برگزار شود. الحمدلله الان حدود ۲ سال است که این جلسات نورانی در منزل ما برگزار می شود و در ماه مبارک رمضان نیز ختم قرآن برگزار می کنیم و هر روزه ابتدای آنها نیز تلاوت حدیث کساء داریم.

این بنده حقیر از اینکه در این مجالس دروس معارف الهی راه پیدا کردم خیلی خوشحالم و بخاطر برپایی مجلس حدیث کساء و توفیق شرکت در آن، و این تفضل الهی بسیار خوشحالم. و حضرات اهل بیت علیهم السلام و مولای عصر خود حضرت صاحب الامر (منه السلام) را به خاطر این همه عنایاتشان شکر می کنم و از امام زمان که از پدر مهربانتر است خواهان شفای مؤمنین و شیعیان و شفای کامل خود می باشم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۹) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید زہیر بن قین رضی اللہ عنہ - (از اصحاب امام سوم علیه السلام)
عنوان واقعہ: حل شدن مشکل درسی فرزند یکی از بانوان معتقدہ بہ ساحت امام عصر (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) بواسطہ ختم این حدیث نورانی.

شرح واقعہ: خانم (م.س) واقعہ را اینگونه تعریف می کند:

با نظر و توجهات مولا صاحب الامر (منہ السلام و الیہ التسلیم) و بہ برکت اهل بیت علیہم السلام حدود یکسال و نیم است کہ این توفیق بہ من و خانوادہ ام دادہ شدہ است کہ در منزل جلسہ حدیث قدسی کساء را بہ ہمراہ کلاسہای معارف الہی برگزار نمایم.

از موقع برگزاری کلاسہا و مجلس توسل برکات و عنایات زیادہ شامل من و خانوادہ ام شدہ است.

فرزند ہفت سالہ ای دارم کہ امسال بہ کلاس اول رفتہ است. در ابتدای سال تحصیلی ہر موقع کہ بہ مدرسہ او می رفتم معلم او می گفت: فرزند شما اصلا ہمکاری نمی کند و جواب سؤاها را نمی دہد و سکوت می کند و تکالیفش را انجام نمی دہد و بہ خاطر ہمین باید این پایہ تحصیلی را یکبار دیگر طی کند.

من که از این موضوع بسیار نگران شدم و نمی خواستم که این اتفاق بیافتد زیرا می دانستم که در روحیه فرزندم تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت، به خاطر همین سعی کردم تا به راههای مختلف این مشکل را حل نمایم، از جمله عمل به توصیه های مشاورین و اقدامات تشویقی: چندین بار برای او جایزه می خریدم و به معلمش می دادم تا از طرف خودش به او بدهد؛ و فرزندم علاقمند به درس شود، ولی اثری نداشت! تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم به پنج نور آل عبا (صلوات الله علیهم اجمعین) متوسل شوم و از حضرت زهرا (سلام الله علیها) بخواهم که ایشان شفاعت این حقیر را در پیشگاه خداوند متعال و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بکنند.

به خاطر همین نذر کردم که چهل روز پشت سر هم بر خواندن این حدیث قدسی مداومت نمایم تا این مشکل فرزندم برطرف شود. هنوز ختم به پایان نرسیده بود که دیدم فرزندم شروع به خواندن و نوشتن کرد، و همکاری های اولیه را با معلم ابراز نمود، و پس از اینکه ختم چهل روز به اتمام رسید؛ دیگر فرزندم به راحتی می توانست از روی درسهایش بخواند و آنها را بنویسد.

خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را شاکرم که این لطف بزرگ را در حق من و خانواده ام مبذول داشتند.

والحمد لله رب العالمین

(۲۰) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده ششم - حسینیه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - حوزه
جناب شهید ابوالطیبات (از اصحاب امام ششم علیه السلام)

عنوان واقعه: حل مشکل صدور گذرنامه خانم (ز.ک) از شاگردان آن
حوزه با نیت نذر یکبار تلاوت حدیث کساء.

شرح واقعه: با عنایات حضرت بقیة الله (منه السلام) مدت ۷ سال است
که با دروس معارف الهی آشنا شده ام و در مجالس توسل به اهل بیت
علیهم السلام که در حسینیه برگزار می شود شرکت می کنم و تحولات و
اصلاحات زیادی در زندگی به برکت آن ایجاد شده است و از تأسیس
این مجالس و دروس بسیار متشکرم و از مولای خواهم بر این توفیقات
و برکات بیافزاید. از جمله آثار و توفیقات گره گشایی توسلاتم این واقعه
است:

برای صدور گذرنامه وقتی مراجعه به یکی از دفاتر اداره گذرنامه
کردیم مدارک را قبول نکرد، مدارک مشکلی داشت، در شناسنامه ام یک
کمی پخش شدگی جوهر بود، که مانع از پذیرش و قبول پروسه صدور
گذرنامه شد، ناچار به اداره مرکزی گذرنامه تهران مراجعه کردیم؛ آنجا
هم قبول نکردند، و گفتند: اصلاً امکان ندارد و مدارک مشابه دیگر و
تاییدیه ثبت احوال را می خواستند. که لازمه اش برگشتن به شهرمان

بود، ما هم مسافر بودیم و فرصت برگشت به شهرستان و تهیه مجدد همه مدارك را نداشتیم.

منع قبول مدارك بطوري سخت و جدي بود که حتی برخي مدارك را تهیه کردیم؛ مانند تأییدیه تحصیلی؛ و برخي مدارك که عکس دار بود؛ و برای بار دوم هم مراجعه کردیم ولي قبول نکردند، و افسر گذرنامه گفت اگر اینها را قبول کنم احتمال دارد خودم زیر سؤال بروم و قبول نمی کنم و اصرار ما و تأکیدمان که از شهرستان آمدیم و فرصت هم نداریم نتیجه نداد و راضي نشد.

در تمام این مدت زمانی که شوهرم مشغول پیگیری کار گذرنامه در اداره مربوطه بود، مشغول به ذکر بودم تا کار به خیر فیصله پیدا کند، اما نهایتاً افسر از رسیدگی به کار امتناع ورزید و نپذیرفت، و با تندي گفت که: بروید. باز به درب بسته خوردیم و با حال ناراحتی مدارك را برداشتیم تا برگردیم؛ مسیر برگشت به شهرستان نیز طولانی بود و فرصت نداشتیم.

در طی مجالس مختلف حسینیة و دروس معارف الهی با برکات و فضائل حدیث قدسی کساء آشنایی پیدا کرده بودم و اعجازهای آن را نیز مطالعه کرده بودم، و برای رفع مشکل از صمیم قلب و با اضطرار؛ به حکم ﴿واعتصموا بحبل الله﴾ دست به دامان اهل بیت علیهم السلام شدم و کلید حل مشکل را از ایشان خواستم و همان موقع که مدارك را برداشتیم که برگردیم؛ نیت نمودم که یکبار تلاوت حدیث قدسی کساء، بنمایم و ثوابش باشد برای آنانکه این مجالس و درسهای معارف را فراهم نمودند

(زیرا که در زندگی تحولات بسیاری از این مجالس و دروس معارف ایجاد شده و راه و روش و روحیاتم به برکت این راهنماییها و برنامه های نورانی خیلی تصحیح شده است) بلافاصله پس از این نیت قلبی، نظر افسر مربوطه تغییر کرد، و داشتیم از اداره گذرنامه بیرون می رفتیم که ما را صدا زد و گفت: بیایید، و آن رفتار تندش عوض شد، و با شوهرم صحبت کرد، و می پرسید: اهل کجا هستید؟ و بعدش هم گفت خودم کارتان را پیگیری می کنم و به متصدی مربوطه توصیه می کنم که کارتان انجام بشود، همان مدارک پذیرفته شد، و بحمد الله بعد چند روز گذرنامه را دریافت کردیم.

و من بعد این واقعه، هر زمان مشکلی برایم رخ می دهد جهت رفع اضطرار دست به دامان اصحاب کساء علیهم السلام شده و متوسل می شوم تا مشکل مرتفع گردد.

والحمد لله رب العالمین

(۲۱) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: حسینیه حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام حوزة جناب قیس بن ورقة معروف به سفینه؛ باب حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام

عنوان واقعه: راهیابی به معارف الهی، وحل سریع مشکلات آقای م-ز با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: آشنایی بنده با حدیث شریف کساء از دوران نوجوانی می باشد که وقتی این حدیث شریف در مسجد محل تلاوت می شد؛ با دقت گوش می دادم و وقتی می رسید به فقراتی که حق تعالی می فرماید "آسمان وزمین و ماه و خورشید و... را خلق نکردم مگر به خاطر محبت این پنج تن مقدس" محبت و علاقه ام به ایشان بیشتر می شد، از این رو شنیدن این حدیث شریف را خیلی دوست داشتم.

همواره از خداوند می خواستم بیشتر نسبت به ایشان شناخت پیدا کنم؛ تا اینکه الحمد لله با عنایت اهل بیت علیهم السلام با معارف الهی آشنا شدم، و راه تحصیل معارف اهل بیت علیهم السلام برابم باز شد، و بهره های فراوانی بردم.

آشنایی من با منبع و محل تعلیم معارف الهی طبیعی نبود، و بر حسب ظاهری چیزی نبود که بطور معمولی در اثر مجاورت محلی یا آشنایی شخصی یا کاری بدست آید.

بعد از آشنایی با محل دریافت معارف الهی؛ هم وسعت مباحث معارف الهی و سطح عالی آن طوری بود که در مراکزی که قبلا دیده یا شنیده بودم و یا بعدا برخورد کردم قابل قیاس نبود، شرح این آشنایی و دسترسی به معارف الهی که به برکت حدیث شریف کساء شد؛ واقعه مستقلا است، توضیح این برکت الهی را بیش از این نمی‌دهم، چه اینکه می‌دانم نعمتهای معنوی بعضا با تعریف و توضیح از دست می‌روند..

یکی از آثار عجیب دیگر توسل به این حدیث آسمانی؛ که به عنوان نمونه اینجا ذکر می‌کنم این واقعه است:

جهت انتخاب همسر متوسل به این حدیث قدسی شدم، والحمد لله نتیجه گرفتم، و برنامه ازدواج هم طوری بود که ابتدا خانواده عروس مخالف بودند، و با صحبت کردن خانواده بنده با ایشان؛ موافقت آنها حاصل نمی‌شد، و باید بنده با خانواده شان حضوری صحبت می‌کردم، و شرایط محلی هم طوری بود که امکان صحبت حضوری با آنها فراهم نبود، در این وقت برای اینکه شرایط گفتگوی حضوری فراهم شود شروع به خواندن حدیث شریف کساء می‌کردم؛ هنوز تلاوت حدیث شریف به پایان نرسیده بود که خانواده عروس که هیچ وقت سابقه نداشت به منزل ما بیایند خودشان به منزل ما می‌آمدند (توضیح اینکه دلیل آمدن ایشان هم ارتباطی به امر خواستگاری نداشت و برای کار دیگری بود که مجبور می‌شدند طبق آدرسی که همسایه‌ها به آنها داده بودند به منزل ما بیایند)، و بدینوسیله امکان صحبت کردن با خانواده ایشان فراهم می‌شد.

شبهه این ماجرا چندین بار در مراحل مختلف خواستگاری و ازدواج اتفاق افتاد و در همه موارد به برکت حدیث قدسی کساء به طرز اعجاز آمیزی راه حل فراهم و میسر می شد، و سرانجام هم ازدواج به خوبی و خوشی صورت گرفت.

آنقدر این حدیث شریف برایم راهگشا بوده است و موارد زیادی از آن نتیجه سریع گرفته ام که هر کس برایش مشکلی پیش می آمد که به ظاهر حل شدنی نبود؛ تلاوت حدیث کساء را به او پیشنهاد می دادم.

والحمد لله رب العالمین.

(۲۲) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید عمار آزدی رحمته الله - (از اصحاب امام سوم علیه السلام)
عنوان واقعه: نجات یک زندگی در آستانه فروپاشی.

شرح واقعه: خانم (س.ص) که از دانشجویان معتقد و متوسله به ساحت مقدس حضرت صاحب الامر (منه السلام) است، و در یکی از کلینیک های بهزیستی؛ مشاوره روانشناسی حقوقی داوریهای طلاق خدماتی را ارائه می دهند، ماجرا را اینگونه نقل می کنند:

مدتی بود که مورد مشاوره ای داشتم که در دادن راه حل به ایشان درمانده بودم. خانمی با اینکه کاملاً به زندگی و شوهرش عشق می ورزید، (بنا به اظهار خانم) از بس مورد سردی و بی تفاوتی قرار گرفته بود توان جسمی و روحی اش را از دست داده بود، توصیه های به صبر و مدارا مشکل را حل نکرده بود، و خواستن از او برای ادامه این راه و صبر باعث صدمات جدی به ایشان بود، در مقابل می دانستم جدایی نیز به نوعی دیگر باعث تخریب کلی روحی ایشان می شود.

وقتی با شوهر ایشان مشاوره داشتم حقیقت بر من آشکار شد و فهمیدم که ایشان (در فضای مشکل با همسرش) وابستگی به جایی دیگر پیدا

کرده بودند، و این سبب سردی بیشتر بین او و همسرش گردیده بود، اما دیدم که شوهر از جدایی که ایجاد شده بود بسیار افسرده است، نه اینکه نخواهد زندگی اش را نگه دارد؛ ولی مدیریت این وضع نیز از توانش بیرون شده بود .

اگرچه جلسات مشاوره در منع پیشرفت مشکل آنها مفید بود، اما حل نهایی آن بطوری که وضع را به گرمی و آرامی اولیه طرفین برگرداند؛ از دست و قدرت ما بیرون بود، و راهی پیدا نمی کردم . اما چون در هر دوی آنها ریشه های اعتقادی دیده می شد؛ که نشان می داد می توان به کمک آن این زندگی را نجات داد؛ امیدوار بودم.

یک روز که در مجالس دروس معارف الهی در مورد عظمت این حدیث نورانی صحبت شد؛ یکی از دانشجویان که آنجا حضور داشت؛ و از ماجرای این زوجین آگاه بود؛ به من پیشنهاد کرد که توسل به حدیث شریف کساء را به این خانواده توصیه کنم، و من همانجا نیت کردم که ایشان را به توسل جستن به حدیث شریف کساء (از طریق ختم چهل روز) راهنمایی کنم.

از آنجا که اضطراب آن خانم محور این مشکل بود، و کنترل و حل آن را مشکلتر می کرد؛ لذا انجام این ختم به روش مذکور را به آن خانم دادم، و او نیز قبول کرده و مشغول انجام آن شد.

هنوز این ختم به نیمه نرسیده بود که آن خانم با من تماس گرفت و خبر

داد که: به آرامش و اطمینان خاصی رسیده است؛ و اینقدر دلش آرام شده که تصمیم گرفته توکل کند، و همه چیز را به خداوند متعال بسپارد. در ادامه خبرهایی که می رسید نشان از پیدا شدن امید می داد، تا آنجا که روزی خانم به دیدنم آمد. آثار آرامش و رضایت در صورتش هویدا بود. از تغییر عجیبی که در زندگی شان پیش آمده صحبت کرد. از اینکه با آرامش و پذیرش و همدلی وی چگونه شوهرش از افسردگی نجات پیدا کرده؛ و زندگی شان خیلی بهتر از آنچه انتظار داشت شده، ولی چیزی که او را شاد می کرد قدرت توکلی بود که پیدا کرده بود، و جوابی که از توسل به حدیث شریف کساء گرفته بود، و از اینکه خداوند به برکت اولیای الهی علیهم السلام او را مورد رحمت و عنایت قرار داده بودند شکرگزار بود، و من شکرگزارتر از او؛ به درگاه الهی سجده شکر کردم که: خداوند چنین بابهایی را برای نجات انسانها باز گذاشته است، و هم اینکه به برکت هدایت مکتب وحی؛ این مشاوره ام ماورای دانش و ذهنیتهای رایج نتیجه بسیار موفق داشت، و سبب شد نه تنها یک زندگی در آستانه فروپاشی نجات پیدا کند؛ بلکه این زوجین با رویکردی بهتر به زندگی ادامه دهند.

به امید رضایت خداوند و حضرات معصومین علیهم السلام از ما بندگان درگاهشان و فرج و سلامتی امام زمان (منه السلام و الیه التسلیم) و توفیق بندگی و خدمت گذاری در راهشان.

والحمد لله رب العالمین

(۲۳) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب محمد بن مفضل رضی الله عنه (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: رفع مشکل و برآورده شدن حاجت (فرزند دار شدن) با اقدام به ختم ۴۰ روزه تلاوت حدیث کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ک) از شاگردان حوزه های معارف الهی نقل می کند: در مجالس هفتگی حدیث کساء و دروس معارف الهی که شرکت می کردم مدیر جلسه فضائل و برکات و برخی معجزات و گشایشها که از طریق توسل از این حدیث آسمانی بوده را توضیح می داد، و بعد حدیث شریف کساء تلاوت می شد، و پس از آن هم با پذیرایی مجلس پایان می پذیرفت، از برکت این مجالس در زمینه های مختلف معارف الهی مطالب متنوعی را می آموختم.

مدت یکسال بود که از خداوند می خواستم: فرزندی به بنده عنایت فرماید، و با اینکه (بنا به نظر پزشکان) مشکلی از لحاظ فرزند دار شدن نداشتم، و آزمایشات نیز اشکالی را نشان نمی داد؛ اما بچه دار نمی شدم. به برکت آشنایی با فضائل این حدیث آسمانی در مجالس درسی؛ مصمم شدم برای سلامتی و فرج قطب عالم امکان و پناه دردمندان عالم، حضرت محمد بن الحسن المهدی علیه السلام، ختم ۴۰ روزه تلاوت حدیث کساء

گرفته، و در این بین نیز حاجتم را جهت فرزند دار شدن از درگاه ربوبیش مسئلت بنمایم.

برنامه ختم تلاوت حدیث کساء را آغاز کردم، در روز پانزدهم از ختم، طبق روال قبلی که برای آزمایش می رفتم این بار نیز مراجعه نموده و دقایقی بعد از آزمایش انجام شده، پزشک مربوطه با مشاهده جواب، اعلام داشت که: باردار هستم؛ از شدت شوق از این خبر و اینکه مورد عنایت حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده ام اشک از چشمانم سرازیر شده و خداوند را شکر نمودم و ختم حدیث کساء را ادامه داده و ۴۰ روز را کامل نمودم.

از بعد از آن، برای رفع مشکلات مادی و معنوی خود به این حدیث شریف متوسل شده و به دیگر مؤمنین و مؤمنات نیز توصیه نموده ام.

والحمد لله رب العالمین.

(۲۴) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الہی: جناب شہید زہیر بن قین رضی اللہ عنہ (از اصحاب امام سوم علیه السلام).
عنوان واقعه: حل شدن مشکل فقدان کسب و شغل به برکت توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.آ) که یکی از دانشجویان معارف الہی و از متوسلین به ساحت مقدس مولا صاحب الامر (منہ السلام و الیہ التسلیم) می باشند؛ ماجرای برطرف شدن مشکلی که در رابطه با شغل همسرشان پیش آمده بود را اینگونه نقل می کنند:

مدتی بود که به دنبال پیدا کردن مجالس درسهای قرآن و معارف الہی بودم، و به مکانهای زیادی برای این کار مراجعه کرده بودم ولی سطح هیچ کدام آن چیزی نبود که من را راضی کند، تا اینکه روزی یکی از دوستانم پیشنهاد آمدن به درسهای حسینیہ و حوزه معارف الہی: جناب زہیر بن قین رضی اللہ عنہ را به من دادند و این عنایت شامل حالم شد که بتوانم در این درسها شرکت نمایم. از زمانی که از معارف الہی ناب اهل بیت علیہم السلام بهره مند شدم تغییرات زیادی در زندگی ام بوجود آمد. خصوصاً با شرکت در مجالس توسل این تغییرات بر روی پسرم بسیار محسوس بود.

و اما توسلی که به حدیث شریف کساء داشتم: همسرم چند سالی در محلی با چند نفر به صورت شراکت؛ لوازم و ابزار ماشین سنگین می فروختند،

و ما از این راه امرار معاش می کردیم، تا اینکه یک روز شرکاء به اسم "شرایط اقتصادی موجود در جامعه و نبود صرفه و درآمد در آن کار" آنرا تعطیل کرده، و همه شرکاء از هم جدا شدند، و هر کسی به دنبال کاری برای خودش رفت؛ و همسرم بیکار شد.

وی برای دوری از بیکاری شروع به مسافركشی کرد؛ ولی خودش علاقه و رغبتی به این کار نداشت، کار قبلی هم که مدت‌ها تجربه در آن داشت بسته شده بود، و به تنهایی توان راه اندازی مجدد و مستقل آنرا نداشت، نیاز به داشتن محل کسب و سرمایه داشت، که هر دو برای او فراهم نبود.

این مشکل ادامه داشت تا اینکه یک روز در درسهای معارف الهی که در آن مجلس تلاوت حدیث کساء هر هفته برگزار می شد، و از عظمت این حدیث نورانی سخن به میان می آمد، تصمیم گرفتم که با خواندن چهل مرتبه حدیث قدسی کساء به درگاه مولا صاحب الزمان (منه السلام) متوسل شوم تا حاجت خود را بگیرم.

با این تصمیم؛ شروع به انجام این عهد معنوی و تلاوت این حدیث قدسی نمودم؛ دقیقا مصادف با اتمام چهلمین توسل، به برکت پنج وجود نورانی اصحاب کساء علیهم السلام همسرم توانست مغازه ای مستقلا باز کند، و همان شغل قبلی خود را؛ این بار بدون داشتن شرکاء؛ و حتی با شرایط کاری بهتر ادامه دهد، و بار دیگر نظر و توجه اهل بیت علیهم السلام شامل حال من و خانواده ام گردید.

و الحمد لله رب العالمین

(۲۵) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیہ حضرت امام کاظم علیه السلام، حوزه معارف الہی: جناب محمد بن اسماعیل بن بزیع (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی به برکت توسل با حدیث آسمانی کساء
شرح واقعه: خانم (ر. ت) از دانشجویان حوزه های معارف الہی و از بانوان معتقدہ و متوسل بہ ساحت مقدس حضرات اهل بیت علیہم السلام واقعه را چنین تعریف می کند:

به فضل و عنایت حضرت صاحب الزمان (منہ السلام) حدود ۲ سال است کہ در مجالس و درسهای معارف الہی شرکت می کنم، با حضور در مجالس و دروس معارف الہی با فضائل و برکات حدیث کساء آشنایی پیدا کردم و در دو جلسہ ہفتگی آموزش تلاوت قرآن و دروس معارف الہی کہ داشتیم اول ہر جلسہ حدیث کساء تلاوت می شد، و مدیر جلسہ از فضائل و برکات آن توضیحاتی می دادند، و در جلسات اطعام ہم داشتیم کہ از آنها برای تبرک و شفا می بردیم و برکات بسیاری از این جلسات نصیبمان شدہ است از جملہ اینکہ:

یک سال بود کہ برادرم بہ سرطان معده مبتلا شدہ بود و دکترهای داخلی او را جواب کردہ بودند و گفته بودند دیگر عمل جراحی مفید نیست و

داروهای شیمیایی نیز دیگر روی او اثر نداشت و برادرم هم داروها را قطع کرده بود.

با مطرح شدن حرف پیگیری درمان در خارجه برادرم به فکر افتاد که برای درمان به خارج از کشور برود، پسر عمویم در انگلستان ساکن بود، ما هم و آزمایشات و پرونده پزشکی برادرم را برای او ارسال کردیم، جواب آزمایشات را به دکترهای آنجا نشان داده بود، پزشکان متخصص مورد مراجعه در انگلستان گفته بودند، اقداماتی می کنیم ولی تضمین هم نمی کنیم که بهبود یابد، و هزینه درمان را حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد کرده بودند.

در این يك سال که موضوع درمان را در داخل کشور پیگیر بودیم چند مجلس توسل در منزل گرفته بودیم، و همچنین برادرم به مسائل شرعی پایبند بود و در مسیر زندگی برای صدقات و کمک به فقرا فعالیت‌های زیادی کرده بود و صدقات و انفاقاتی را مرتباً داشتند و خانواده شان نیز نذر و توسل می کردند و من خیلی نگران ایشان بودم و در اواخر حال برادرم وخیم شده بود به حدی که نمی توانست سر بر بالش بگذارد و بخوابد و احساس خفگی داشت و نشسته می خوابید.

با توجه به فضائی که از حدیث کساء در مجالس و دروس معارف الهی آموخته بودم؛ تصمیم گرفتم برای شفای برادرم نذر کنم برای تلاوت حدیث کساء، و شروع به انجام نذر کردم و هر روز حدیث شریف را به نیابت ایشان تلاوت می نمودم تا مدت يك ماه، و از غذاهای مجالس

هفتگی توسل با حدیث کساء به عنوان تبرکی و به نیت شفا برای او می
بردم.

به لطف و عنایت مولایمان حضرت صاحب الزمان (منه السلام و الیه
التسلیم) و توسل به مادر گرامیشان، در همین مدت تلاوت حدیث کساء
حال برادرم بسیار تغییر کرد و بهتر شد تا حدی بهبودی یافت که
توانست غذا بخورد، و بعد هم به قدری خوب شد که توانست به سرکار و
شغل خود برود، با حصول این بهبودیها و تغییر روحیه او و بازیابی بیشتر
سلامتی در ادامه توانست برای ادامه تحصیل نیز به دانشگاه برود.

من برای شفای کامل او تلاوت این حدیث آسمانی را ادامه دادم و مولا را
به خاطر این لطف و برکاتشان شکر می کنم. و شکر خدا از حدود یک
سال پیش با برپایی مجلس حدیث کساء؛ توفیق شرکت در آن را بیشتر
دارم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۶) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب شهید سعید بن عبدالله حنفی از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: پیدا شدن فرد گمشده در سفر کربلای معلی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (م.س) در سفری که به عتبات عالیات مشرف شده بودند واقعه گم شدن خود را اینگونه نقل می کنند:

در سال ۱۴۳۰ توفیقی نصیب بنده حقیر و خانواده ام گردید که با چند نفر از دوستان به زیارت عتبات عالیات مشرف شدیم. چند روزی در آنجا اقامت داشتیم تا اینکه شب آخر هنگامی که می خواستیم به محل سوار شدن ماشین ها بازگردیم به دلیل اینکه همسرم در سفر بیمار شده بودند؛ ما از دوستان کمی دیرتر راه افتادیم و فرزندانم هم با آنها قبلا به طرف محل مورد نظر رفته بودند. چون همسرم توان راه رفتن نداشتند وسیله ای برای ایشان گرفتیم و با یکدیگر به طرف مکان مورد نظر رفتیم. در میانه راه من کمی جلوتر رفتم که ببینم آیا دوستان را می بینم ولی بعد از چند دقیقه به پشت سرم که نگاه کردم همسرم را ندیدم و هر چه اطراف را مشاهده کردم آن منطقه برایم نا آشنا بود، من از مسیر و محل مان بسیار دور شده بودم، به ناگهان ترس و وحشتی سراسر وجودم را فراگرفت. تاریکی آن شب و غربت من در آنجا بر ترسم می افزود.

نمی دانستم که چه کار باید انجام دهم و فقط نام زیبای مولایم صاحب الزمان (منه السلام) را بر زبان می آوردم و از ایشان طلب کمک می کردم. بعد از چند دقیقه به خودم آمدم و دیدم مقابل مقام قطب دایره امکان، فریاد رس فریادخواهان مولا صاحب الامر (منه السلام و الیه التسلیم) (مقام مهدی علیه السلام در کربلا) هستم.

در همان لحظه به یاد جلسات حدیث شریف کساء که در حسینیه شهرمان برگزار می شد افتادم، و اینکه چقدر از عظمت و شرافت این حدیث برایمان صحبت شده بود. در آن موقع با خود عهد کردم که اگر به سلامت راه و همراهان را پیدا کردم؛ هنگامی که به کشورم بازگشتم هزینه برگزاری و اطعام مومنین این مجلس را تقبل نمایم.

بلافاصله بعد از گفتن این عهد معنوی، یک شخص عراقی پیدا شد و بی مقدمه به من پیشنهاد داد که می توانم با ایران تماس بگیرم، و شماره دوستانمان را از آنها بگیرم، و بعد گوشی تلفنش را به من داد، و با تماسی که گرفتم همسر و دیگر دوستانمان را پیدا کنم، و عنایت و نظر لطف پنج نور مقدس آل عبا من را از آن شرایط سخت نجات داد.

بعد از بازگشت به کشورم نیز به عهد خود وفا کردم و خداوند متعال را به خاطر نعمت بزرگ هدایت به سوی معارف ناب اهل بیت علیهم السلام شکر نمودم، و از محضرائه معصومین علیهم السلام تشکر نمودم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۷) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہیدہ زوجہ وھب بن عبد اللہ رضی اللہ عنہا

عنوان واقعہ: بھودی بیمار با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: والدین مرحومہ (م.خ) کہ تازہ از دنیا رفته؛ ماجرای یکی

از توسلات فرزند نوجوانشان را این گونه نقل می کنند:

مرحومہ دختر ما محب اهل بیت علیہم السلام بود، از وقتی وقایع غیاث الأولیاء

فی التوسل بمحدیث الکساء ہر ہفتہ منتشر می شود؛ او مرتب اصرار

داشت کہ این مطلب (این واقعہ توسلی کہ شہادتش بودیم) را ارسال کنیم

تا منتشر شود، کاهلی و سستی ما مانع شد، تا این کہ بلافاصلہ بعد از

فوتش گفتیم این مطلب را بیان کنیم کہ ہم خواستہ او عملی شدہ باشد؛

ہم انجام وظیفہ کردہ باشیم در باب احیاء امر آل اللہ، و ہم دخترمان در

آن دنیا از برکاتش بہرہ مند گردد.

چند ماہ قبل از فوت دخترمان؛ او بہ ہمراہ ما برای عرض تبریک بہ

مادربزرگش (بہ مناسبت میلاد با سعادت حضرت زہرا علیہا السلام) بہ منزل

ایشان رفتیم، آنجا بودیم کہ مطلع شدیم مادربزرگ داخل مسجد فشار

خونش بالا رفته و او را بہ بیمارستان بردہ و تحت درمان ہستند، یکی

از پسران ایشان بہ بیمارستان رفت کہ او را بیاورد، بعد مدتی خبر داد کہ

فشار خونش هنوز بالا است و هر کاری می کنند با قرص و روشهای دیگر نمی توانند فشار ایشان را پایین بیاورند.

مرحومه دختر ما (این نوجوان پاک نهاد و خوش سیرت و عاشق اهل بیت علیهم السلام) از من (پدرش) کتاب حدیث شریف کساء را خواست، گفتم برای چه می خواهی؟ گفت: می خواهم حدیث کساء را بخوانم تا این وضعیت خطیر حال مادربزرگ برطرف شود. و سپس رو به قبله در حالتی که نشسته بود بدون این که صدا بلند کند و یا جلب توجهی؛ آهسته آهسته شروع به خواندن حدیث شریف کساء کرد.

تلاوت و دعای آن مرحومه که تمام شد خبر رسید: بطور ناگهانی حاجیه خانم فشارش پایین آمده و دکترها گفته اند اگر حال و فشارش به همین نحو ثابت ماند؛ می توانید تا ساعتی دیگر او را به منزل ببرید. و همینطور شد و حالش مستقر ماند، و ساعتی بعد او را به خانه آوردند.

لازم به ذکر است که مرحومه دختر ما در مشکلات و شدائدی که برای شخص خودش پیش می آمد، سریعاً کتاب حدیث کساء را می گرفت و مشغول توسل شده و با خودش بدون سر و صدا آنرا زمزمه می کرد.

ان شاء الله حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام دستگیری از همه، خصوصاً اموات و گذشتگان و بالاخص این عزیز از دست رفته بنمایند. و الحمد لله رب العالمین

(۲۸) غياث الأولياء في النوسل خديث الكساء

منبع: آموزشکده هفتم و حسینیة حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب نصر بن سوید رضی الله عنه (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: حل مشکل مالی و ازدواج به برکت توسل با حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (آ.ف) از دانشجویان حوزه های معارف الهی و بانوان معتقد و متوسل به ساحت مقدس حضرات اهل بیت علیهم السلام واقعه را چنین تعریف می کند:

به عنایت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) حدود ۶ ماه است که با مجالس و درسهای معارف الهی آشنا شده ام و توفیق شرکت در مجالس حدیث کساء و تلاوت قرآن و دروس معارف الهی را پیدا نمودم.

در این جلسات ابتدای جلسه حدیث کساء تلاوت می شد و با توضیحات معلم درس؛ با فضائل و برکات حدیث آسمانی کساء آشنایی پیدا کردم و از برکات بسیاری که با حضور در این درسها و مجالس نصیب شد این واقعه است:

سه سال بود که عقد کرده بودم ولی به دلیل مشکلات مالی شوهر و خانواده ام نتوانسته بودیم مستقل شویم و زندگی مشترکمان را آغاز کنیم و از این موضوع بسیار رنج می بردم.

با شرکت در مجالس هفتگی حدیث کساء و دروس معارف و آشنایی با این حدیث نورانی؛ تصمیم گرفتم که برای رفع مشکل ازدواجمان به حضرات مقدسه اهل بیت علیهم السلام از طریق حدیث قدسی کساء متوسل شوم و با این نیت؛ شروع کردم به تلاوت آن و روزی يك بار این حدیث را تلاوت می نمودم.

تنها پس از گذشت دو هفته از شروع تلاوت این حدیث آسمانی، مشکلاتی که در این سه ساله ما را رنج می داد؛ به عنایت مولا برطرف شد، و هزینه لازم و منزل فراهم گردید؛ و زندگی مشترك را به عنایت و لطف مولا و به برکت این حدیث قدسی آغاز نمودیم.
مولا را به خاطر این لطف و سایر برکاتشان شکر می کنم.

و الحمد لله رب العالمین.

(۲۹) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید هانی ابن عروه رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.
عنوان واقعه: دریافت و فهم معارف ناب اهل بیت علیهم السلام با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: یکی از دانشجویان دروس معارف الهی خانم (م.ع)، توسل خود به حدیث شریف کساء را اینگونه نقل می کند:

علی رغم تلاش و علاقه ای که نسبت به تحصیل و کسب علوم و معارف الهی داشتم و به مکانهای زیادی مراجعه کرده بودم و یا حتی در آنها مدت زمانی حضور پیدا کرده بودم، ولی می دیدم آن برنامه ها جوابگویی نیازهایم نبود؛ آنچه از فضای حاکم کلاس های رایج دینی دیده و شنیده بودم؛ و رغبتی به ادامه آنها پیدا نکردم؛ و چون قلباً به آنها مطمئن نمی شدم فلذا ادامه نمی یافت، از طرفی علاقه ام به اصل موضوع فراگیری معارف الهی برقرار بود؛ اما از اینکه به مرکزی که جوابگویی نیازهایم باشد؛ و دلم را به آموخته هایش مطمئن سازد نمی یافتم ناراحت بودم.

تا اینکه بالأخره یک روز دوستی با من تماس گرفت و خبر از وجود مجالسی داد که برنامه آنها: آموزش صحیح خوانی اذان و نماز و تلاوت قرآن و سایر معارف الهی است، و محور مجلس توسل با زیارت آل یاسین

کامله می باشد، خیلی خوشحال و امیدوار شدم و با خودم گفتم این شاء الله که این بار خداوند دعا و نمازهایم را مورد اجابت قرار داد.

در آن مجالس درسی به موقع و مرتب با شور و اشتیاق حاضر شدم با دقت تمام گوش می دادم حتی نکته برداری می کردم، اما بعد از گذشت یک ماه احساس کردم فقط می شنوم و می خوانم اما نمی توانم با حقیقت درسها ارتباط برقرار کنم، نتیجه آن چیزی که دلم می خواست و دوست داشتم (با حس و دریافت معنوی و معرفتی باشد) نبود.

در آن جلسات از منزلت و شرافت حدیث شریف کساء بسیار صحبت می شد، و من قبلا (بر اساس ذهنیت اشتباه خود) فکر می کردم که: خواندن این حدیث فقط برای امور ظاهری و شفای بیماران و حوائج دنیوی است، اما هیچ گاه نمی دانستم که برای امور معنوی و معرفتی هم می شود به تلاوت این حدیث شریف متوسل شد.

با آگاهی از این نکته؛ برای رسیدن به ارتباط قلبی با این آموزشها متوسل شدم، یک روز ظهر پس از خواندن نماز ظهر برای این حاجتم نیت کردم؛ و به پنج نور مقدس آل عبا و مولا صاحب الأمر (منه السلام) متوسل شدم.

از روزی که متوسل شده بودم احساس خاصی در دلم به وجود آمد، چهار روز مانده بود تا موعد درس بعدی شروع شود. قبل از شرکت در درس از روی تقریرهایم مطالعه ای کردم؛ تا با آمادگی بهتری در درس حاضر شوم. روز آن مجلس فرا رسید، و وقتی خواستم بروم دوباره خیلی دعا کردم که

خدایا معرفت و درک و یادگیری مطالب این دروس و علمی که همیشه آروزیش را داشتیم به من عطا کن و به مجلس درس رفتم.

آنجا سعی می‌کردم با دقت به مطالب گوش کنم و یاد بگیرم. وقتی پایان درس شد و برگشتم، کتاب و وسایلم را داشتم می‌گذاشتم یکباره احساس ارتباط عمیق و عجیبی به من دست داد، انس و آشنایی و ارتباط عمیقی با کل کتابها و مطالبی که تا آن روز فراگرفته بودم در من به وجود آمده بود.

خلاصه يك دفعه به خودم آمدم و متوجه شدم آثار حدیث شریف کساء (با نیتی که کردم و خواندم) حاصل شده است که این حس در من ایجاد شده است. پس از آن کم کم احساس کردم که دریچه ای از نور و معرفت به رویم گشوده شد و دریافت و فهم بهتری نسبت به کلام وحی و کلام خازنان وحی علیهم‌السلام برایم بوجود آمد، و به کل حالم با قبل فرق کرد، بطوریکه دیدم تمام سلولهای بدنم در حال حمد و ستایش و ارادت و بندگی نسبت به حضرات مقدسه معصومین علیهم‌السلام است، شاید نتوانم به طور کامل احساسم را بر زبان بیاورم؛ ولی این تغییر بزرگ برای بنده بسیار محسوس و مشهود بود.

نکته مهم این بود که این اثر بدون اینکه کسی نسبت به آن تلاش یا دخالتی بکند حاصل شده بود، اصلاً کسی از حال و اندرون من مطلع نبود، بلکه رفتار من رفتار يك شخص فعال و جدی بود.

از موفق شدن این توسل خیلی خوشحال شدم و خدا را با شادی تمام

شکر کردم، و شاید قابل باور نباشد که من چه احساس عجیبی داشتم، با تمام وجود دلم می خواست احساسم را فریاد کنم.

خیلی خیلی خوشحالم و احساس می کنم از همه نظر به لطف خدای منان و عنایت ائمه معصومین علیهم السلام و برکت این درسها از لحاظ معرفتی بسیار پیشرفت داشته ام. و الآن (خدا را شکر) همیشه سعی می کنم به موقع سر درسهای معارف الهی حاضر شوم و آنرا بر کارهای دیگرم ترجیح می دهم. با اینکه قبلاً هم همیشه در مسیر توسل و نذر و نیاز و عرض حاجت به ائمه معصومین علیهم السلام و دعا و نیایش بودم، اما امروزه توسلاتم خیلی فرق می کند شاید نتوانم احساسم را به جمله در آورم و انتقال دهم اما اشخاصی که به این ارتباط با حقایق معارف الهی رسیده اند و تجربه این گونه معجزات را دارند کاملاً می توانند احساس مرا درک کنند. برکات حاصله از این توسل؛ زمینه ای شد که بتوانم درک و یادگیری بیشتر و بهتری از دروس معارف الهی داشته باشم، و ارتباطم با حقیقت این معرفت برقرار شده، و بسیار نسبت به گذشته فرق کرده ام، الحمد لله رب العالمین.

در پایان آرزوی فرج مولا و اربابمان حضرت صاحب الامر (منه السلام) و سپاس و حمد ایزد منان را دارم و امیدوارم همه کسانی که طالب و خواستار علوم و معارف الهی هستند؛ این گونه توفیقات و برکات شامل حالشان بشود، و این عنایتی هم که شامل حال بنده شد؛ ماندگار، استوار، و روز افزون باشد. و الحمد لله رب العالمین

(۳۰) غیث الاولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

معارف الهی: جناب شهید بشر حضرتی رحمته الله علیه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: گشایش در امر ازدواج و فراهم شدن مورد مطلوب و مناسب با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ن. پ) واقعه ازدواج دخترشان را با توسل به حدیث شریف کساء اینگونه نقل می کنند:

چند ماهی بود که در کلاس های معارف الهی در مورد معجزات حدیث کساء و حاجاتی که اشخاص مختلف از این حدیث شریف گرفته اند، صحبت می شد.

بسیار عجیب بود! با توجه به اینکه حاجت های به ظاهر خیلی دشوار و حل ناشدنی، که توسط حدیث کساء حل شده بود را می شنیدم، ولی درباره حاجت ما آنقدر موانعی اتفاق افتاده بود و مشکلاتی را می دیدیم (از جمله عدم سنخیت روحی و خانوادگی خواستگار) که فکرمی کردم در این مورد حاجت من رواشدنش محال است.

شنبه سیزدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود، که حوزه جدیدی از معارف الهی می خواست کار خود را شروع نماید که اتفاقاً دخترم یکی از دانشجویان آن حوزه بود.

زمانی که به خانه رسیدم به دخترم گفتم: محوریت مجلس درس شما با

توسل به حدیث شریف کساء است. روزی که در مجلس، حدیث شریف کساء را قرائت می کنند، نیت کن ابتدا برای فرج حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) و بعد از آن خوشبختی و سلامتی همه دخترها و پسرها. من هم در دلم نیت ازدواج و سلامتی برایش کردم.

نیمه ماه مبارک رمضان، سالروز تولد امام حسن مجتبی علیه السلام بود که شروع به خواندن حدیث شریف کساء کردند. ایشان هم نذر چهل روزه کرد، تنها با نیت فرج و سلامتی حضرت مولا صاحب الزمان (منه السلام) و شروع به خواندن این حدیث شریف نمود.

حدود لیالی قدر بود که شخصی توسط یکی از بستگان خودمان سؤال کرده بود؛ دختری می خواهیم که متدین و مذهبی باشد و ایشان هم شماره تلفن ما را داده بودند.

از خداوند خواسته بودیم فقط آن کسی را که مورد تأیید خداوند متعال و مولا (منه السلام) است را سر راهمان قرار دهد و در این صورت دهانمان را برای نه گفتن ببندد.

بعد از ماه مبارک، خواهر داماد تماس گرفتند و گفتند: برای امر خیر مزاحم شدم، و شرایط برادرشان را گفتند؛ و شرایط ما را هم سؤال کردند؛ و گفتند: اگر خدا بخواهد و دختر شما قسمت ما بشود، دختر شما در واقع عروس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می شود چون پدر ما می رسید هستند (پدر و مادر سید) و مادرمان هم سید موسوی هستند.

قرار گذاشتند و برای خواستگاری آمدند و فردای آن روز تماس گرفتند

و گفتند: زمانی که از منزل شما رفتیم هرچه در مورد شما فکر کردیم، دیدیم خصوصیات اخلاقیمان بسیار شبیه هم است اگر اجازه بدهید، ما بار دیگر به منزل شما بیاییم که این دو نفر با هم صحبت کنند.

جلسه دومی که به منزل مان آمدند مادرشان گفتند: چرا برای تحقیق نیامدید؟ نکند مورد قبول شما قرار نگرفته ایم که تحقیق نرفته اید؟؟!!

اما نمی دانستند که خداوند دل ما را در مورد ایشان محکم کرده است.

دختر و پسر با هم صحبت کردند و بعد گفتند: اگر اجازه دهید دو جلسه دیگر هم یا در منزل یا بیرون با هم صحبت کنند. ما هم قبول کردیم ولی در تماس بعدی از ما دعوت کردند باز دیدشان برویم.

در مورد ایشان تحقیق کردیم، همه از ایمان و اخلاق ایشان بسیار می گفتند ما هم قبول کردیم. به یاری خداوند متعال و معجزه حدیث شریف کساء، در ساعت نجومی مناسبی خطبه عقد جاری شد.

حال که زندگی خود را شروع کرده اند بیش از پیش به شباهت های اخلاقی و رفتاری خود پی برده اند. خصوصیتی که می توانستند در جلسه های معارفه از هم بیبرسند ولی فرصت این صحبت ها پیدا نشده بود.

یعنی آنچه در تحقیقها و معرفیها و جلسات خواستگاری و آشنایی و ملاقاتها سعی می شود بدست آید، در اینجا به برکت توسل و توکل حاصل شده بود.

والحمد لله رب العالمین

(۳۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید مسلم بن عقیل رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: شفا یافتن بیمار با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.ع) واقعه شفا یافتن بیماری مادرشان را اینگونه نقل می کنند:

مادرم مدتی بود که دیسک کمر داشتند و بارها دکتر به ایشان پیشنهاد جراحی برای وخیم تر نشدن حال ایشان را داده بودند.

بالاخره درد شدید و بی حس شدن پا و انگشتان و عدم تحرک از ناحیه ی کمر برای مادرم ایجاد شد و با کمیسیون پزشکی و نظر خود پزشک متخصص تصویب شد که با رضایت کامل از جانب پدر و فرزندان و با احتمال بهبودی پنجاه درصدی؛ ایشان را عمل جراحی کنند، چون آن وضعیت غیر قابل تحمل برای مادرم بود.

همه نگران و مضطرب و مضطرب که این جراحی را بکنند یا نه؟ عده ای موافق، و عده ای هم مخالف، که یکی از مخالفین هم من بودم.

صادقانه بگویم ترس از فلج شدن مادرم در من بیشتر از ترس از مرگ ایشان بود؛ و به همین خاطر هم وقتی این نتیجه را شنیدم با عصبانیت و ناراحتی به بیمارستان رفتم و گفتم با مسؤولیت خودم ایشان را مرخص

کنید، پرسنل قبول نکردند و مادرم هم بخاطر درد قبول نکرد. من حرف دلم را گفتم و با وجود اینکه ترس زیادی داشتم، اما ته دل احساس آرامش و یک نور امیدی داشتم که بعداً متوجه شدم .. گفتند صبح که پزشکان آمدند، بیائید، هر چند غیر ممکن است که تیم پزشکی که آماده‌ی عمل جراحی هستند، رضایت دهند و بگذارند که بیمار را مرخص کنید.

آن شب تا صبح، شب وحشتناکی بر من گذشت، چون ترسم هزار برابر شده بود که حتی اگر مادرم عمل هم نکند، فلج می‌شود و خودم را سرزنش می‌کردم که چرا اینکار را کردم؟ این چه حرفی بود؟ اگر بعد از عمل همه از چشم پزشک یا جمعی که رضایت داده بودند، می‌دیدند، حالا هر اتفاقی که بیافتد از چشم من می‌بینند، فقط می‌دانم که چقدر زیاد دعا و نیایش و التماس به درگاه خداوند متعال کردم، که چه کنم؟!

صبح هم راهی بیمارستان شدیم و گفتیم منصرف شده و نمی‌خواهیم ایشان عمل شوند (از قضا با اینکه ما شب گذشته گفته بودیم و شیفت شب در جریان بودند، صبح اولین نفر مادرم را آماده‌ی عمل کرده بودند) با اطلاع از انصراف ما؛ تیم جراحی ناراحت شدند و عصبانی و با رفتار تندی با ما برخورد کردند، و پزشک جراح مادرم، آخرین جمله‌اش خطاب به مادر و ما این بود که: می‌دانید که جز من هیچ کس دیگر نمی‌تواند این عمل را انجام دهد؛ و شما را معالجه کند، و من از این لحظه دیگر شما را پذیرش نمی‌کنم.

همه‌ی چشم‌های نگران و بهت زده به سمت من معطوف شد؛ من هم گفتم: چرا! آقای دکتر؛ یک نفر دیگر هست که می‌تواند مادرم را معالجه کند؛ و اگر شما پنجاه درصد به کار خودتان ایمان دارید، من صد درصد به کار او ایمان دارم، تمام تعجب و بهتی که چند لحظه‌ی پیش به سمت من بود؛ به جانب پزشک رفت، و او هم با لحن تمسخر و هم با عصبانیت پرسید: اون کیه که اینقدر ارزش مطمئنید؟! اونم صد درصد؟ گفتم "خدا". چند لحظه‌ای سکوت سنگینی حاکم بر فضا شد. دکتر برگه‌ی انصراف از عمل را امضاء کرد و گفت بروید "به امید خدا!" سرم را از دست مادرم بیرون کشید و ما هم لباسهای ایشان را عوض کردیم، و به زحمت ایشان را به منزل آوردیم.

فردای آن روز دوستان و آشنایانی که برای احوال‌پرسی به مادرم زنگ می‌زدند، همه تعجب کرده؛ و هر کدام چیزی می‌گفتند و تلفن را قطع می‌کردند.

بعد از آن بواسطه کرامتها و معجزاتی که در میان دوستان و آشنایان از توسل به حدیث قدسی کساء شنیده بودم با خواهرهایم تصمیم گرفتیم که برای شفای مادر و بهبودی ایشان به پنج نور آل عبا علیهم‌السلام متوسل شویم و روزی چندین مرتبه این حدیث شریف را تلاوت می‌کردیم.

بعد از یک ماه بطور معجزه آسای مادرم از تحت پایین آمد و دوباره فعالیت و کارهای روزمره‌اش را شروع کرد، و به لطف ایزد متعال و عنایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و تأثیرات این حدیث شریف تا به امروز با

هیچ گونه مشکلی از ناحیه کمر و دردی که داشت مواجه نشد. البته تأثیرات همان ۱۰ روز اول توسل شروع به نشانه دادن شدند.

ناگفته نماند که پس از یکسال که مادرم سرزده به مطب جراحی که قرار بود عملشان کند، رفتند، او تعجب کرده و گفته بود: هر چند دارم می بینم که روبروی من ایستاده‌اید؛ و با پای خودتان آمدید، اما در باورم نمی‌گنجد که: آیا در این دوره هنوز معجزه هست؟! !!!

از آن به بعد اینجانب به هر کس مشکلی داشته؛ به ایشان پیشنهاد توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام با خواندن حدیث شریف کساء را می‌دهم، و همه به لطف مولا (منه السلام) حاجاتشان برآورده شده است.

و الحمد لله رب العالمین.

(۳۲) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب شهید عماره بن ابی سلامة رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: بهبودی وضعیت شغلی با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (ف.م) واقعه رفع مشکلات و موانع از مراحل

استخدام همسرشان را اینگونه نقل می کنند:

حدود ده سال است به اتفاق همسرم در کلاسها و جلسات معارف شرکت

می کنیم و این توفیق نیز از برکات و نعمتهای مولایمان حضرت علی بن

موسی الرضا علیه السلام است که ما بر سر این سفره الهی و معنوی دعوت

شدیم.

از همان ورود به این کلاسها و جلسات برکات آن نیز، بر من و همسرم

مشهود بود، چه در کسب و کار و چه در زندگی و چه در مسائل دیگر،

حتی خُلق و خویمان نیز به برکت این کلاسها بسیار تغییر پیدا می کرد و

حتی در هر زمان که به مشکلی برخورد می کردیم، با توسل و به برکت امام

زمان (ارواحنا فداه)، آن مشکل برطرف می شد.

الان هم حدود دو سالی است که مولا صاحب الامر (منه السلام) به بنده

توفیق برگزاری مجلس کلام توجه و زیارت شریف آل یاسین کامله و

درسهای آموزش تلاوت و اذان و نماز صحیح و فصیح به افراد در آن

جلسه را عطا نموده است که این خود یکی از آن دریای بی کران الطاف حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام است.

واقعهای که از برکات این جلسات و کلاسهای معارف بود، این است که: همسر ماها امید ارتقای وضعیت شغلی خود از پیمانکاری به استخدامی رسمی بود، تا اینکه حدود سه سال پیش بدون اینکه انتظار داشته باشیم، نامه‌ای از تهران به منطقه عملیاتی که همسر ما در آنجا مشغول به کار بود، آمد که اسم پنج نفر از حدود ۱۵۰۰ نفری که به صورت نیروهای پیمانکاری کاری کردند، در آن بود، و یکی از آن پنج نفر به برکت مولا صاحب الزمان (منه السلام و الیه التسلیم) اسم همسر ما، برای ارتقای وضعیت شغلی (رسمی شدن) بود. علیرغم این فرصت فراهم شده ولی موانعی پیش آمد که پروسه استخدام را کند بطوریکه هفت ماه بعد از این نامه همسر ما جهت مصاحبه فنی به تهران دعوت کردند و بعد از مصاحبه که حدود سه سال به طول انجامید، موانع و سنگ اندازیهایی زیادی از افراد مشاهده کردیم و شنیدیم، که هم صحیح نمی‌باشد گفتن آنها و هم در این مقال نمی‌گنجد، ولی به طور خلاصه با تمام حسن ظن که به این افراد داشتیم، ولی خواسته یا ناخواسته در گفتار و کردارشان، تنگ نظری و بخل و حسادت و سهل انگاری به گونه‌های مختلف دیده می‌شد، که حاکی از توقف سیر استخدام رسمی داشت، شرایط طوری شده بود که دیگر ما را تقریباً از این وضعیت ناامید کرده بود، البته نه اینکه از رحمت خداوند متعال ناامید شویم.

تا این که حدود پنج روز مانده به ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود که قصد و نذر کردیم که برای گره گشایی و رفع موانع و تسهیل در روند امر، چهل روز حدیث شریف کساء را بخوانیم و متوسل به ساحت مقدس و مبارک پنج تن آل عبا علیهم السلام شویم.

به برکت مولا صاحب الزمان (ارواحنا فداه) و پنج نور آل عبا علیهم السلام، بیست و هشتمین روز ختم بود که حدیث شریف کساء می خواندیم که مصادف با روز ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود، ناگهان از تهران با همسر تماس گرفتند که برای تکمیل مدارک و گرفتن حکم رسمی، به تهران بیایید، و مشکل حل شده بود، و خدا را شکر که وضعیت کاری ایشان بهتر و استخدام رسمی شدند.

این واقعه یکی از برکات توسل به آن پنج تن مقدس علیهم السلام است و این شاء الله خداوند متعال توفیق خدمت گذاری مسیر نورانی آن حضرات را به همه ما عنایت بفرماید. آمین یا رب العالمین

و الحمد لله رب العالمین.

(۳۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید عبدالاعلی رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن مشکل تحصیلی و رفتاری کودک با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ط.ق) که از دانشجویان حوزہ معارف الہی است واقعہ برطرف شدن مشکل تحصیلی و رفتاری فرزندشان با توسل به پنج نور مقدس علیہم السلام را اینگونه بیان می کنند:

فرزندی دارم که در مقطع دبستان در حال تحصیل می باشد. از وقتی که وارد مدرسہ شد هیچ گونه علاقہ ای به خواندن درسهایش نداشت و درس خواندن و انجام تکالیف مدرسہ هم برای او اصلاً اهمیتی نداشت از همان ابتدای ورودش با مشکلات تحصیلی زیادی روبرو شد به حدی که معلم کلاس اول می گفت که: فرزند شما باید مجدداً این مقطع تحصیلی را بخواند.

علاوہ بر مشکلات تحصیلی او کہ فکر و ذهن مرا بہ خود درگیر کردہ بود؛ اخلاق و رفتار او نیز برای خانوادہ مشکل ساز شدہ بود، و مرتب در حال لجبازی بود، و اگر چیزی را می خواست و بہ او نمی دادیم شاید ساعتها گریہ می کرد.

برای حل این مشکلات بہ مراکز مشاورہ زیادی مراجعہ کردم ولی آنها

علیرغم تلاش‌هایشان موفق نبوده و من نتیجه‌ای از کار آنها نگرفتم. تا اینکه پس از آشنایی با فضائل و برکات نورانی حدیث کساء تصمیم گرفتم که به پنج نور آل عبا علیهم‌السلام متوسل شوم؛ و نذر کردم که چهل روز به صورت مداوم این حدیث نورانی را قرائت کنم، و از اهل بیت علیهم‌السلام بخواهم که مشکلات فرزندم با نظر توجه خودشان به زودی برطرف شود. با شروع به خیتیم حدیث کساء در همان حین خواندن این حدیث با عظمت؛ به وضوح دیدم که فرزندم بسیار آرام تر شده، کمتر لجبازی می‌کند و گریه‌هایش کمتر شده است. همچنین با تعجب دیدم خودش تکالیفش را می‌آورد و می‌نشیند که انجام دهد و از من می‌خواست تا به او کمک کنم. از آن به بعد به وضوح دیدم که نمراتش در مدرسه پیشرفت خوبی داشته و به درس خواندن علاقمند شده است. خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت را شاکرم که مرا با معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام آشنا نمودند تا بتوانم شناخت بیشتر و بهتری از این حدیث شریف داشته باشم. از آن به بعد که مشکلات فرزندم برطرف شد؛ همچنین تا کنون کرامات زیادی از این حدیث قدسی شامل حال بنده و خانواده‌ام گردیده، و لذا هنوز هم برای سلامتی مولا صاحب الامر (منه السلام) و پیشرفت بیشتر فرزندم در تحصیل بر خواندن این حدیث با عظمت مداومت دارم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۴) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

معارف الهی: جناب عمار ازدی رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل تهیه مسکن با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم سیده (ز.م) که از دانشجویان حوزه معارف الهی است واقعه برطرف شدن مشکل مسکن یکی از اقوامشان را با توسل به پنج نور مقدس علیهم السلام اینگونه بیان می کند:

روزی به منزل یکی از اقوام نزدیک رفتم دیدم که ایشان ناراحت و پریشان هستند؛ وقتی علت را جویا شدم گفت که:

دو روز است که صاحبخانه به ایشان گفته که: باید منزل را ظرف مدت سه روز تخلیه کنند؛ در حالیکه سه ماه دیگر هنوز تا پایان قراردادشان وقت باقی است، و الان با توجه به اینکه در فصل زمستان هستیم؛ نمی دانیم که کجا باید برویم.

در مجتمع مسکونی خودشان هم سراغ گرفته ایم؛ ولی همه برای فروش گذاشته اند و کسی اجاره نمی دهد.

از طرفی این چند روزه هر جایی دیگر که سراغ خانه گرفته ایم؛ اجاره ها بسیار بالا بوده، و توان پرداخت آن را نداشته ایم.

وقتی حالت پریشان و ناراحت ایشان را دیدم با توجه به اینکه چند سالی

است در مجالس دروس معارف الهی شرکت می‌کنم و مرتب از عظمت این حدیث نورانی سخن به میان می‌آید، و به عینه خودم شاهد بوده‌ام که افراد بسیاری با توسل به حدیث شریف کساء به حاجات خود رسیده‌اند؛ ازین رو بلافاصله به ایشان پیشنهاد دادم که:

تا پیدا شدن مورد مناسب برای سکونت، شروع به خواندن این حدیث شریف و با عظمت کند.

دو روز بعد وقتی با ایشان تماس گرفتم؛ دیدم که بسیار خوشحال بود؛ و گفت که: از همان شب که شما به من سفارش این نوع توسل را نمودی؛ من نیت کردم و شروع به خواندن حدیث شریف کساء کردم؛ و بلافاصله؛ به طور غیرقابل باور؛ در همان مجتمع خودمان که الان سکونت داریم؛ در همان طبقه که منزل ماست؛ در واحدی دیگر؛ یک منزل مناسب برای اجاره پیدا کردیم.

الآن حدود دو هفته است که آنها به منزل جدید اسباب‌کشی کرده‌اند. ایشان در میان صحبت‌هایش بیان می‌کرد که: قبلاً شناخت کاملی از این حدیث نورانی نداشته؛ و الان بحمدالله با عنایت اهل بیت علیهم‌السلام توانسته معرفت بیشتری به این حدیث شریف پیدا نموده، و هم به صورت مرتب آنرا تلاوت کند.

والحمد لله رب العالمین

(۳۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید بریر بن خضیر رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام
عنوان واقعہ: فراهم شدن تمکن مالی برای تهیه وسیلہ نقلیہ از برکت
توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ل.آ) واقعہ را این گونه نقل می کنند: تقریباً نزدیک بہ
دو سال است کہ با دروس معارف الہی آشنا شدہ ام و مولا (منہ السلام)
را شاکرم کہ مرا با این مسیر نورانی آشنا نمودہ و لیاقت حضور در مجالس
درس و توسل را بہ بندہ و خانوادہ ام عنایت فرمودہ اند.

از زمان آشنایی من با معارف ناب اہل بیت علیہم السلام تغییرات زیادی را در
زندگی ام مشاہدہ می کردم کہ هیچ گاہ در باورم نمی گنجید.

ہمراہ ہمسر و فرزند کوچکم ہر ہفتہ در مجلس توسل در محل حسینیہ
شرکت می کردیم و بسیار بہ آنها علاقمند بودیم، ولی از آنجا کہ ما در
شہرستانی دیگر سکونت داشتیم؛ فلذا مسافت زیادی را باید طی می
کردیم تا بہ حسینیہ برسیم، و طی این مسافت با موتور (خصوصاً در
فصل زمستان) برای ما مشکل سازی شد؛ و بہ سبب سردی هوا توفیق
حضور و بہرہ مندی از مطالب از ما گرفتہ می شد.

ہر چہ تلاش می کردیم تا اسباب خرید یک وسیلہ نقلیہ فراہم شود ولی
امکان خرید آن از لحاظ ہزینہ برای ما مقدور نبود، و در کار تهیه خودرو

با مشکلات زیادی روبروی شدیم، که ما را از فراهم شدنش منقطع می کرد.

با انتشار مرسولات "غیاث الاولیاء فی التوسل بحدیث الکساء" و خواندن آنها و نیز آنچه خودم در مجالس می دیدم که افراد بسیاری با توسل به این حدیث نورانی به حاجات مادی و معنوی خود نائل شده بودند، و همواره از عظمت این حدیث نورانی و برکات آن در مجالس توسل؛ صحبت می شد، نور امید خاصی احساس کردم؛ و به فکر عرض حاجت خود به حریم نورانی اهل کساء علیهم السلام گرفتم.

از این رو تصمیم گرفتم که به صورت مداوم چهل روز این حدیث شریف و با عظمت را تلاوت کنم و به اصحاب کساء علیهم السلام متوسل شوم. مشغول این ختم و توسل شریف شدم؛ هنوز چهل روز ختم به پایان نرسیده بود که با عنایت حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام اسباب خرید یک وسیله نقلیه فراهم شد؛ و توانستیم وسیله ای تهیه کنیم.

با دعا برای سلامتی حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) و الیه التسلیم) و توفیق بهره مندی از معارف ناب اهل بیت علیهم السلام برای همه پویندگان طریق حقیقت. ان شاء الله

والحمد لله رب العالمین

(۳۶) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید نعیم بن عجلان رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام
عنوان واقعه: فراهم شدن مکان اقامت در سفر زیارت؛ در وقتی که نیافتہ بودیم.

شرح واقعه: خانم (م.ا) واقعه فوق را اینگونه نقل می کنند:

مدتی قبل با تعدادی از دوستان خانوادگی مان تصمیم گرفتیم کہ بہ برای زیارت بہ پابوس ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شویم. قبل از سفر برای تهیه مکان مناسب، بہ زائرسراها و هتل های زیادی تماس گرفتیم ولی (بہ دلیل افزایش تعداد زائران و شلوغی این مکان مقدس) نتوانستیم مکان مناسبی تهیه کنیم.

با توکل بہ خداوند و استعانت از حضرات معصومین علیہم السلام بہ راه افتادیم. بعد از طی مسیر و رسیدن بہ مشهد مقدس توانستیم یک اتاق کوچک بہ طور موقت پیدا کنیم ولی بہ دلیل اینکہ تعدادمان زیاد بود باید باز ہم بہ دنبال مکان مناسب می گشتیم.

همسرانمان برای تهیه منزل بہ بیرون رفتند و ما در منزل موقتی ماندیم تاظہر آن روز ہرچہ با آنها تماس می گرفتیم نتوانستہ بودند کہ مکان مناسبی برای اقامت پیدا کنند.

در ہمین حین ناگهان بہ ذہنم خطور کرد کہ ہمگی شروع بہ خواندن

حدیث شریف کساء کنیم و به پنج تن آل عبا علیهم السلام متوسل شویم. همگی شروع به خواندن این حدیث با عظمت کردیم؛ بلافاصله پس از اینکه تلاوت این حدیث به پایان رسید همسرم تماس گرفت و گفت که توانسته اند مکان مناسبی برای اقامت پیدا کنند. همگی ما از اینکه بلافاصله بعد از تمام شدن تلاوت حدیث شریف کساء مشکلمان برطرف شد؛ متعجب شدیم، و خداوند متعال و حضرات معصومین علیهم السلام خصوصا مولایمان علی بن موسی الرضا علیه السلام را به خاطر این لطف بزرگ شکر گزاریم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۷) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید بشر حضری رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن اختلاف زناشویی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (م.م) واقعہ مشکل زندگی پسرشان را اینگونه نقل می کنند:

دو سال پیش پسر م با دختری ازدواج کرد و بعد از گذشت یک سال از زندگی مشترکشان؛ هر روز شاهد اختلاف میان آن دو زوج بودیم، و عروسم با بهانه جویی هایی که می کرد و خواسته های نامعقولی که داشت؛ پسر م را تحت فشار گذاشته بود، و آخر هم به منزل پدرش رفته بود و اظهار به تقاضای جدایی می کرد. سپس وضع شدت پیدا کرد؛ و رسماً تقاضای طلاق و موضوع جنبه قضایی پیدا کرد.

ما در این مدت در دادگاه خانواده مشغول به گرفتاری های زیادی شده بودیم، و همگی دچار ناراحتی روحی شدیدی شده بودیم.

از طرفی هم مبلغ مهریه بسیار بالا بود؛ و پسر م توان پرداخت آن را نداشت.

آنوقت تازه به کلاسهای معارف الہی راه یافته بودم، و در آنجا شاهد بودم که در ابتدای هر جلسه حدیث با عظمت کساء تلاوت می شد، همین

اینکه ناظر بودم که افراد بسیاری با توسل به این حدیث نورانی به حاجات مادی و معنوی خود نائل شده و نقل تجارب خود می کردند. در اولین جلسه برای شروع تلاوت حدیث کساء مسؤؤل حوزه معارف الهی گفتند که: از همین جلسه اول نیت کنید ابتدا برای فرج مولایمان حضرت صاحب الامر (منه السلام) و بعد حاجات خودتان، ان شاء الله که به برکت این حدیث نورانی و با توسل به پنج تن آل عبا علیهم السلام برآورده به خیر می شود.

من هم در همان جلسه نیت خواندن چهل روزه این حدیث را کردم که با استعانت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مشکل فرزندم برطرف شود.

دقیقا بعد از پایان چهل روز (در کمال ناباوری همه) به طور معجزه آسایی شاهد بودیم که عروسم خودش به منزل مراجعت نمود، و اظهار به ندامت و پشیمانی کرد، و گفت که دیگر هیچ مهریه ای نمی خواهم و می خواهم که به زندگی مشترکمان ادامه دهم.

و نتیجه این توسل برای من و خانواده ام معجزه ای بزرگ بود. حضرات معصومین علیهم السلام را شاکرم که مرا به این مسیر نورانی دعوت نمودند.

والحمد لله رب العالمین

(۳۸) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید سوار فہمی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن مشکل تہیہ مسکن با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (زن) کہ چند سالی است با دروس معارف الہی آشنا شدہ، مشکل خود را کہ با توسل بہ حدیث با عظمت کساء برطرف شدہ است این چنین نقل می کند:

از برکت شرکت در مجالس دینی با عظمت حدیث شریف کساء و آثار و برکات آن آشنا شدم، و بہ برکت توسل بہ پنج نور مقدس و شرکت در مجالس قرائت این حدیث شریف؛ موانع و مشکلات متعددی در زندگی برطرف شدہ است. از جملہ آنها این واقعہ است:

مشکلی کہ اخیراً برایمان پیش آمدہ بود مشکل مسکن بود، بہ خاطر این کہ منزلان در دست ساخت است و فعلاً در منزل اجارہ ای زندگی می کنیم، صاحبخانہ ما با تمدید قرارداد اجارہ موافق بود تا این کہ تصمیم بہ فروش منزل گرفت و از تمدید قرارداد اجارہ سرباز زد، و از ما خواست کہ در موقع مقرر قبلی خانہ را تخلیہ کنیم، با توجہ بہ اینکہ یک ماہ تا پایان قرداد ماندہ بود و منزل خودمان ہم آمادہ نبود، و از طرفی چون امکان جابجایی بہ محل دیگر را نیز نداشتیم، در یک وضعیت بحرانی قرار گرفتیم.

بخاطر همین مشکل پیش آمده؛ خیلی ناراحت بودم، به فکر بهره مند شدن از تعالیم دریافتی در مجالس معارف الهی افتادم، در آموخته های معرفتی یاد گرفته بودم که وظیفه ما همه بندگان تنها بندگی است، اما اداره امور بندگان و تأمین نیازها و رفع مشکلاتشان به عهده مولا است.

من و خانواده ام در مشکل قرار گرفته بودیم و باید به مولا یم پناه می بردم، همان موقع به حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) متوسل شدم و تصمیم گرفتم برای برطرف شدن این مشکل تا چهل روز حدیث شریف کساء را بخوانم.

از همان موقع شروع به انجام نذرم کردم و هر روز حدیث شریف کساء را خواندم، تقریباً یک هفته بعد منزلی که در آن ساکن هستیم فروخته شد، اما مجبور به تخلیه منزل نشدیم! چون به عنایت مولا علیه السلام و به برکت حدیث کساء؛ خانه به فردی فروخته شده بود که تصمیم به سکونت در این منزل را نداشته؛ بلکه از خود ما خواست که قرارداد اجاره را با ایشان تمدید کنیم.

با توسل به اهل بیت علیهم السلام و پناهنده شدن به آن حضرات مشکل مسکن ما به نحو خیلی خوبی برطرف شد. بخاطر این همه لطف و عنایت که از ناحیه او همیشه در زندگیمان احساس می کنیم؛ مولا علیه السلام را شاکرم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۹) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم، حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب عمرو بن عبدالله جندعی رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: فراهم شدن همسر با اوصاف مورد نظر برای ازدواج با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.س) واقعه فوق را که در مورد یکی از دوستانشان است اینگونه بیان می کند:

هنگامی که به مجالس دروس معارف الهی راه پیدا کردم، با حدیث کساء و برکات و فضایل آن آشنا شدم.

همچنین در مجالس دروس معارف الهی آموخته بودم که ما انسانها در این دنیای پر از مشکلات و خطرات؛ تنها با توسل به حضرات معصومین علیهم السلام است که می توانیم از آنها جان سالم به در برده و در راه خدا ثابت قدم مانده و از مسیر هدایت خارج نشویم.

این آموخته ها نتایج عینی و تجربه های عملی برای خودم و آنانکه می شناختم داشت، از جمله آنها توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از طریق حدیث قدسی کساء بود که بوسیله آن توانستم همسر ایده آلی برای زندگی آینده ام پیدا کنم. این توفیقات الهی و نتایج روشن و سریع آن؛ مرا به نشر این معارف الهی و نقل این تجارب معنوی تشویق نمود.

تصمیم گرفتم که موضوع توسل به حدیث شریف کساء را با تعدادی از

دوستانم در میان بگذارم. یکی از دوستان بنام خانم (م.الف) در باورش نمی‌گنجید که بتواند با توسل به حدیث کساء به حاجات بسیار مهم و دست نیافتیش نائل شود، ولی با شنیدن تجارب یقینی من مصمم شده و به من گفت که شروع به خواندن آن می‌کند.

بعد از مدتی با او تماس گرفتم دیدم که بسیار خوشحال است؛ در میان صحبت‌هایش گفت: بعد از اینکه با من موضوع توسل به حدیث کساء را در میان گذاشتی شروع به خواندن آن کردم، و نذر کردم که از اول ماه محرم تا اربعین حسینی ع چهار روزی در پی آن را بخوانم تا به حاجتم برسم و الان خدا را شکر با عنایت اهل بیت ع به حاجتم رسیدم.

از او درباره حاجتش پرسیدم اینگونه بیان کرد که: برای ادامه زندگی همیشه به دنبال مردی بودم که از لحاظ ایمان و اعتقاد مذهبی از خودم برتر باشد و هم چنین علاقمند بودم که شغل همسر آینده ام معلمی باشد که همانند شغل انبیاء ع است تا بتوانیم در مسیر مولا (منه السلام) ثابت قدم تر باشیم. اما آنچه از خواستگاران مطرح می‌شد، با این توصیفات مطابقت نمی‌کرد بطوریکه این حاجت را برای من دست نیافتنی کرده بود، وقتی تو برکات این حدیث آسمانی را برایم شرح دادی و تجربیات خودت و دیگران را برایم گفתי مرا به توسل برای این حاجت مصمم نمودی. و بعد از یک اربعین توسل نتیجه بحمدالله حاصل شد و الان من با مردی ازدواج کرده ام که از لحاظ ایمان و اعتقاد دقیقاً مطابق ملاکهای انتخابی من بوده است و معلم نیز می‌باشد. والحمدلله رب العالمین

(۴۰) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: شفا یافتن بیماری مزمن کلیه با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.د) از دانشجویان حوزه معارف الهی واقعه خود را این چنین شرح می دهد:

یکسالی است که توفیق شرکت در جلسات و دروس معارف الهی نصیب شده است. در هر جلسه ابتدای جلسه این حدیث را تلاوت می نمودند و مسؤول حوزه از برکات آن صحبت می کرد. بنده با این حدیث با عظمت؛ در جلسات درس حوزه مان آشنا شدم؛ و تا کنون برکات بسیاری از حدیث کساء دیده ام، از برکاتی که از این حدیث شریف دریافت نمودم شفای بیماری مزمن ۱۴ ساله کلیه هایم بود.

من حدود ۱۴ سال عارضه کلیه داشتم که برخی پزشکان می گفتند ناشی از سنگ کلیه است، و برخی می گفتند کلیه هایت عفونت دارد، داروهایی هم تجویز می کردند، ولی با داروها درمان قطعی نمی شد، و بعد مدتی دوباره درد کلیه داشتم، و در هر سال شاید دو یا سه ماه راحت بودم؛ بقیه ایام با درد پهلو و کلیه همراه بود، تا اینکه در این سال اخیر با سرماخوردگی هفت ماه به شدت حالم بد شد، بطوری که اگر کلیه بند را نمی بستم نمی

توانستم خود را نگه دارم. اگر به جلسه درس می رفتم نمی توانستم بنشینم و به پهلو می خوابیدم، بعد از آن حالم بد شد به حدی که یک ماه اصلاً نتوانستم جلسات درس حوزه را بروم.

نزد پزشکان متعددی رفته بودم، فرزندانم از دختر و پسر نوبتهای ویزیت متخصصین مختلفی را برایم گرفته بودند و این پزشکان متخصص داروهای مختلفی را روی من امتحان کرده بودند و آزمایشات را متعدد انجام می دادم از سونوگرافی و انواع آزمایشات دیگر. پا به سن گذاشته بودم و می دیدم وضعیتم مرتب خطرناکتر می شود. و گریه می کردم و می گفتم این چه نوع بیماری است که به آن دچار شدم و این همه داروها و معالجات بزرگان هم علاج آن را نمی کند، و می گفتم من دیگر خوب نمی شوم.

وقتی (به علت بیماری) دیگر نتوانستم جلسات را بروم؛ مسؤول حوزه به دیدنم آمد و همان روز هم جلسه حدیث کساء در حوزه بود و به من گفت: طاقت بیاورم به جلسه توسل بیایم و برای روحیه ام هم خوب است. آن روز حالم بد بود و دیرتر رفتم وقتی رسیدم جلسه تمام شده بود و از آبی که در مجلس حدیث کساء با تلاوت بر آن دمیده و بدان تبرک کرده بودند؛ به من دادند و خوردم، و به توصیه ایشان نیت کردم که برای شفای بیماریم نذر حدیث کساء کنم و من هم نیت کردم یک اربعین حدیث کساء را به قصد بازیافتن سلامتی ام تلاوت کنم.

تلاوت حدیث کساء را شروع نمودم و ۴۰ شب آن را خواندم؛ بعد از آن ۴۰ شب ناراحتی کلیه ام کاملاً برطرف شد! مانند کسی که هیچ عارضه کلیه نداشته است!!

دیدم حالم کاملاً خوب شده، به متخصصین مراجعه کردم، معاینه کردند، آزمایشاتی نوشتند؛ آن آزمایشات را هم انجام دادم، و نتیجه را برای پزشکان بردم آنها گفتند: نتیجه آزمایشات هیچ مشکلی را در کلیه تان نشان نمی دهد و عفونتی هم در کار نیست!

و به برکت حدیث کساء بیماری ۱۴ ساله ام کاملاً و به یکباره برطرف شد.

خیلی عقیده به حدیث کساء دارم و با توسل بوسیله حدیث کساء هر مشکل کوچک یا بزرگ باشد، برطرف شده و حاجت گرفته ام. مولا را شاکرم و خدا خیر دهد به بانیانی که من را با این حدیث شریف و معارف الهی آشنا کردند و دعایشان می کنم.

والحمد لله رب العالمین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْدِ الْآدَمِيِّينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

بارقت السماء

في إمكان اتحاد روايتي الكساء

مرقته رقيقه

در اتحاد واقعہ حدیث کساء در روایت ام سلمہ و حضرت فاطمہ علیہا السلام

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علمی: داور المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پژوهشگر علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

۱- حدیث آسمانی کساء نقلهای متعددی دارد، نقل مشهور میان عامه مسلمین از جناب امّ سلمه روایت شده است، و نقل معروف میان خاصّه هم از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روایت گردیده، که در میان خواص اهل ایمان متداول است.

۲- شکی نیست که تعدد نقلها سبب تقویت این حدیث شریف و توجه بیشتر عموم به اعتبار و اهمیت آن می شود.

۳- در کلام شریف وحی آیات بسیاری مکرراً نازل شده است، که نشانه تعدد کاربرد و تأکید محتوای آنهاست، تکرار اتفاق واقعه حدیث کساء نیز محتمل بوده و منعی برای تعدد وقوع آن ندارد؛ چه اینکه بازخداد آن در خلوت و جلوت و مجامع مختلف؛ سبب توجه و تأکید مفاد و اهمیت موضوع و شأن نزول حدیث کساء، و جلالت منزلت آل عبا علیهم السلام گردیده است، همچنین این تکرار رخداد باعث شده است تا گروههای مختلف و بیشتری از اهل زمان نزول وحی از فضیلت آن مطلع شوند.

۴- افزون بر اینها؛ نفس وقوع آن اجتماع نورانی و نزول انوار آسمانی خود برکاتی دارد. وقتی امروزه (با گذشت بیش از ۱۴ قرن)

مردم عادي با تکرار تلاوت و اجرای نقل و شرح حدیث کساء در مجالس مختلف؛ هر بار به برکاتی نو و تازه تر از برکات نوبت قبلی نائل می شوند، قطعاً تکرار رخداد واقعه اصلی با حضور حضرات انوار طیبیه آل کساء علیهم السلام برکات و آثار گوناگونی داشته است.

۵- با همه این تفصیلات؛ عقول مقصره از درک حکمت تعدد وقوع حدیث کساء عاجز؛ و تعدد رخداد آنرا استبعاد کرده اند، و از آنجا که نقل ام سلمه میان عامه مسلمین متداول بوده؛ آن نقل را اصل و اساس و محور قرار داده و نقل فاطمی علیها السلام را با آن مقایسه تا نکات و اسرار مذکور در نقل فاطمی علیها السلام (که امتیاز بر نقل ام سلمه دارد) را (به بهانه نبودن در نقل و واقعه ام سلمه که در معرض عموم بوده است) منکر شوند. و تمام بهانه شان را برای اعراض یا تقطیع نقل فاطمی علیها السلام قصور عقولشان از امکان اتحاد آن با نقل ام سلمه پنداشته اند.

۶- افزون بر شرح حکمت‌های تعدد نقل یا وقوع واقعه و مستندات و شواهد آن؛ برای هدایت این دسته (مقصره)؛ چگونگی امکان اتحاد نقل فاطمی علیها السلام و نقل ام سلمه را توضیح می دهیم.

۷- (بنابر اتحاد واقعه دو نقل): واقعه حدیث کساء که مشتمل بر

بشارت الهي است؛ هنگامي اتفاق افتاده است که همه حضرات اهل بيت عليهم السلام خانه جناب امّ سلمه ميهمان بوده اند.

۸- اجمال گزارش بيروني اين واقعه از جناب امّ سلمه نقل شده، و عايشه و زينب (زوجات نبي صلى الله عليه وآله) هم شمه ای از گزارش بيروني همين واقعه را (مستقيماً يا به واسطه) هم از امّ سلمه نقل کرده اند، اما تفصيل کامل گزارش اندروني واقعه از حضرت زهراء عليها السلام نقل شده است، که در داخل کساء بوده اند، که همان روايت معروف و مشهور مشتمل بر بشارت الهي مترتب بر تلاوت و مذاکره اين حديث آسماني است. و چه جاي مقايسه بين ارزش گزارش بيروني مختصر و بين گزارش اندروني مفصل؟!

۹- آنچه مانع تصور مقصره و سبب قصور ادراك ايشان در اين موضوع شده است مشروط کردن نقل فاطمي عليها السلام به وقوع آن در خانه حضرت زهراء عليها السلام است، در حالي که در گزارش حضرت صديقه عليها السلام تصريحی ندارد که در واقعه کساء حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وارد خانه فاطمه عليها السلام شده اند، بلکه از حضرت زهرا عليها السلام نقل دارد: پدرم بر من وارد شدند، و اين منافاتي با روايت جناب امّ سلمه نداشته و با ميهمان بودن همگي اهل

بیت در خانه جناب ام سلمه قابل جمع است.

۱۰- این واقعه جزئیات و حوادثی مقدماتی و جانی دارد که احادیث این باب هر کدام به برخی از آنها پرداخته اند، مثل رفت و آمد افراد متعدد در نزدیک محل واقعه و نحوه فرستادن حضرت رسول الله ﷺ به دنبال اهل بیت علیهم السلام و شخصی که برای خبر کردن و دعوت به آمدن آنها فرستادند، فلذا پرداختن روایتی و نقلی به برخی از جزئیات واقعه و عدم ذکر آنها در دیگر نقلها به معنی عدم صحت آن جزئیات ماجرا و یا تعارض این روایات نیست، همچنان که تمرکز حضرت زهراء علیها السلام روی بیان بدنه اصلی واقعه و تشریح وقایع اندرونی و جهات آسمانی آن؛ به منزله نفي جزئیات بیرونی مذکور در نقلهای دیگر نیست.

۱۱- سیر رخدادهای واقعه کساء را که در نقلها و روایات متفرق ذکر شده است را؛ ما در اینجا یکجا و پیوسته نقل می کنیم تا پراکندگی نقل آنها؛ سبب تحیر و تشویش اذهان و قصورشان از احاطه به نقل کامل واقعه نگردد.

۱۲- بنا بر اتحاد واقعه روایت شده توسط حضرت صدیقه کبری علیها السلام و واقعه روایت شده توسط جناب ام سلمه؛ شرح کامل واقعه

حدیث کساء می تواند چنین بوده باشد که:

حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در روزی که منزل جناب ام سلمه بوده اند، اهل بیت علیهم السلام را طلبیده اند که آنجا بیایند، وقتی حضرات اهل بیت علیهم السلام از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله مطلع شدند؛ عزم تشریف پیدا کرده، اما همه با هم و مجتمعا به آنجا نرفته اند، و اول از همه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به خانه ام سلمه تشریف برده اند، وقتی وارد خانه جناب ام سلمه شدند؛ حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در خانه نبوده و برای کاری به مسجد شریف رفته بودند، بعد از آن که صدیقه کبری علیها السلام در اتاقی از خانه ام سلمه مستقر می شوند؛ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه ام سلمه باز می گردند، و به سراغ دخترشان رفته و بر او وارد می شوند، از اینجا به بعد؛ بقیه نقل فاطمی علیها السلام حدیث کساء است، که بیان می کند از حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در خانه جناب ام سلمه که: **دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ ...** الحدیث. (ترجمه) در برخی از روزها پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من وارد شدند... الحدیث. و ادامه حدیث هم که معروف است.

۱۳- تمرکز حضرت فاطمه علیها السلام در گزارش از واقعه روی بدنه اصلی واقعه که آمدن حضرات علیهم السلام و اجتماعشان تحت الكساء و بیان

کلام نبوی ﷺ و جبرائیل علیہ السلام و کلام الهی و شمه ای از بشارات و اسرار و برکات آن می باشد، بخاطر اهمیت دادن به این جهات که جوهر و ماهیت واقعه بوده است می باشد، تا لابلای گزارش امور جزئی و حاشیه ای و بیرونی؛ متن اصلی گم نشود، نه اینکه نفی آن جهات جزئی باشد.

۱۴- عدم التفات به رقایق و دقایق فوق الذکر؛ سبب شده است که بسیاری از افراد در جمع دو نقل متحیر شده، و اتحاد واقعه در این دو نقل را ملتفت نشوند، و مقصره هم این امر را رخنه ای پنداشته؛ تا در اصل واقعه تشکیک کرده؛ یا القاء تردید کنند در نقل مفصل و کامل آن از حضرت فاطمه علیها السلام، و این شبهه مدفوعه را مقدمه ای قرار دهند برای انکار رخدادها و گفتارهای خاتمه واقعه؛ و آن بشارات الهیه منزله سماویه از بیان حضرت جبرائیل علیہ السلام، و این القاء ابهام را مجدی توسعه دهند تا جایی که تعرض به نص کلام سماوی وحی و حدیث قدسی کساء کرده، و متن کامل فاطمی علیها السلام آنرا تحریف یا تقطیع نموده و در صحف و کتب تحت سیطره مقصران آنرا حذف نمایند، و غوغای تنقیص به راه اندازند.

اعاذنا الله تعالى و جميع اهل الحق من هواجسهم و شرورهم. آمین رب العالمین.

